

ماهنامه كاوش (٤٤)

كد موضوعي: ٢٦٠

شماره مسلسل: ١٢٠٨٠

آذرماه ١٣٩٠

دفتر: مطالعات سياسي

به نام خدا

فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... چرا گفتگو با ایران هنوز گزینه بدی است
- ۶..... تحریم‌ها را رها نکنید
- ۸..... بازهای آمریکایی حامی جنگ عراق، خواهان حمله به ایران هستند
- ۱۲..... حمله نظامی علیه ایران تنها به افزایش نفوذ آن منجر می‌شود
- ۱۵..... خلأهای آشکار در اتهامات هسته‌ای به ایران
- ۱۷..... پیامدهای بلندمدت حمله اسرائیل به ایران
- ۱۹..... جنگ الکترونیک - برنامه سری حمله اسرائیل به ایران
- ۲۲..... تعامل با ایران در حال هسته‌ای شدن
- ۲۶..... پیروزی‌های غیرواقعی اوباما در قبال ایران را واقعی کنید
- ۲۸..... اتهام ترور ایران چه اثری بر انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا دارد؟
- ۳۱..... جنگ‌های نفتی
- ۳۵..... آیا ایران واقعاً قصد ترور سفیر عربستان را داشت
- ۳۸..... جنگ سرد عربستان و ایران: آیا طرح ترور باعث تشدید آن می‌شود؟
- ۴۱..... بازی شطرنج ایران و چین
- ۴۹..... تکنولوژی چین، عصای دست دولت ایران
- ۵۷..... چرا حقوق بشر در ایران بدتر می‌شود و چه کاری می‌توان کرد
- ۵۹..... شکاف‌های موجود در جامعه و سیاست ایران در قبال برنامه هسته‌ای آن ناپدید می‌شود



ماهنامه کاوش (۴۶)

سخن نخست

یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین المللی و اتخاذ سیاست های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه های فکری قدرت های رقیب است. این شناخت از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش های سایر بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای نسبت به تحولات نظام بین الملل به دست می آید و می تواند نقش مهمی در روند تصمیم سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه های فکری، پژوهشی و رسانه های معتبر بین المللی، تلاش دارد تا به بررسی عمده ترین مطالب ماه گذشته برخی از مهمترین مجلات علمی، سایت ها و پایگاه های تحلیل غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس، در شماره ۴۶ کاوش، مقالاتی در مورد برنامه هسته ای ایران و سایر موضوعات جدید مرتبط با روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه، انتخاب و منعکس شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل ها تنها برای اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش ها نیست. ماهنامه کاوش در همین حال به منظور تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادها و انتقادهای اندیشمندان محترم استقبال می کند.

عنوان: چرا گفتگو با ایران هنوز گزینه بدی است^۱

نویسنده: ایلان بیرمن

منبع: Forbes^۲

این گزارش به بررسی سیاست آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران پرداخته و با انتقاد از سیاست‌های تعامل‌گرایانه آمریکا برای جلب نظر ایران تأکید می‌کند که سیاست آمریکا در ماه‌های اخیر در پرتو ناآرامی‌های بهار عرب و تداوم سیاست‌های مقابله‌جویانه ایران در برنامه هسته‌ای آن با شکست مواجه شده است. با وجود این ناکامی این سیاست‌ها در قبال ایران، مجدداً برخی از تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی آمریکا را به این فکر نادرست انداخته که بار دیگر شاید بتوانند از طریق تعامل با جمهوری اسلامی به روابط دیپلماتیک و حسنه دست یابند. در این میان، آخرین پرچمدار بازگشت به گزینه گفتگو با ایران، فرید زکریا، سرمقاله‌نویس تایمز و کارشناس سیاست خارجی سی‌ان‌ان است. زکریا اخیراً در ستونی در روزنامه واشنگتن پست، اواما را بر آن داشت که به سال ۲۰۰۸ بازگردد؛ به زمانی که ایده گفتگوی بی‌قید و شرط با ایران گزینه خوبی به نظر می‌رسید. زکریا پیشنهاد کرده که اواما باید به رویکرد حقیقی خود بازگردد و ایران را آزمایش کند، شاید دری از گفتگو و توافق گشوده باشد. این ایده اگرچه در ظاهر نظر بدی نیست، اما این سؤال مطرح می‌شود که حتی اگر ایالات متحده خواهان چنین گفتگویی با ایران باشد، چه

1. Ilan Berman, "Why Engaging Iran Is (Still) A Bad Idea", Forbes, 1 November, 2011.

۲. یکی از مهمترین پایگاه‌های معتبر و معروف تحلیلی بین‌المللی است.



مسئله‌ای می‌تواند این کشور را که عملاً در همان آغاز دولت اوپاما دست دوستی و پیشنهاد واشنگتن را رد کرد، پس از سه سال به پای میز مذاکره بازگرداند و این فرصت را مغتنم بشمرد؟ این درحالی است که ایالات متحده امروز نسبت به سه سال پیش در منطقه از موضع ضعیف‌تری برخوردار است. با خروج آمریکا از عراق و وضعیتی مشابه در افغانستان برای سال پیش‌رو، ایران متقاعد شده که آمریکا آهنگ خروج از خاورمیانه را دارد. در نتیجه باید دید چه منافع ملموسی از گفتگو با واشنگتن برای ایران وجود دارد؟ چرا به سادگی نباید گمان کنیم که ایران می‌تواند باز هم صبر کند؟ به هر حال ایران خود را به خاطر این ناسازگاری با تهدید خاص و یا قریب‌الوقوعی روبرو نمی‌بیند.

نویسنده در ادامه تأکید می‌کند که با اینکه این پیش‌بینی در مورد گفتگو میان ایران و آمریکا ممکن است به واقعیت بیانجامد، ولی به جرئت می‌توان گفت فعل و انفعالات سیاسی کنونی در منطقه در شرایط کنونی با چند ماه گذشته و دقیق‌تر با دو سال گذشته یعنی پس از انتخابات جنجالی ایران متحول شده است. لذا اگرچه جنبش سبز که به‌عنوان نتیجه یک نارضایتی عمومی بروز کرد شاید اکنون به دلیل فشارها و سرکوب‌های گسترده به حاشیه رانده شده باشد، اما شرایط داخل ایران از افزایش تورم گرفته تا بیکاری گسترده و رکود اقتصادی نشان می‌دهد که شرایط ایران هم می‌تواند به تونس، مصر و لیبی بیانجامد. با چنین پس‌زمینه‌ای تعامل با حکومت ایران نه تنها بیهوده نیست، بلکه می‌تواند تیشه به ریشه چشم‌انداز واقعی تغییرهای خودجوش مردمی در داخل ایران بزند.

به‌نظر نویسنده درحالی که مقامات آمریکایی همچنان از دستور کار بودن کلیه گزینه‌ها روی میز برای ایران سخن می‌گویند، برای ایران نیز چون همگان مانند روز روشن است که چنین گزینه‌هایی روی همان میز باقی می‌ماند و به این زودی‌ها رنگ حمله نظامی به برنامه اتمی ایران را به خود نمی‌گیرد. با وجود این، فشار اقتصادی اگرچه متفاوت است و نیش برنامه تحریم انرژی - مصوب پارسال - برای ایران دردآور شده است، اما چنین برنامه‌ای طبیعتاً کارآیی مختصری دارد و در مرحله ابتدایی باقی می‌ماند. تنها شرکت‌های خارجی انگشت‌شماری تا به امروز (به‌خاطر دادوستد با ایران) مشمول تحریم شده‌اند و کاخ سفید خود را با کشورهای مثل چین درگیر نمی‌کند؛ کشورهایی که پیوسته ایران را در فعالیت‌های هسته‌ای کمک کرده‌اند. علاوه‌بر این با گذشت زمان از تعهد و شدت چنین اقداماتی در منطقه کاسته می‌شود و آزادی عمل ایران نیز افزایش می‌یابد. تمامی اینها مسیر گفتگوی مداوم را تیره می‌کند و ایران را از پذیرش مذاکره نیز بازمی‌دارد. در این میان، شاید بزرگ‌ترین دلیل اینکه چرا نباید با ایران به گفتگو نشست خود ایرانی‌ها باشند. مقامات دولت ایران به تازگی نگاه خوش‌بینانه‌ای بر ناآرامی‌های و جهان عرب دارند و ادعا می‌کنند که نظام‌های قدرتمندی که در تونس و لیبی درحال شکل‌گیری‌اند در نهایت به نتایجی چون جمهوری اسلامی منجر می‌شوند. براین اساس است که زکریا نیز چنین مسئله‌ای را خوب درک کرده و به همین دلیل بحث خود را با یادداشتی نامعقول به پایان می‌رساند و می‌گوید هر چند تعامل استراتژیک با ایران امکانپذیر نباشد با این همه باید در این راه تمام تلاش خود را به خرج داد. این سیاست واقعاً شکننده است.



واشنگتن در واقع نیاز مبرمی دارد که درباره گام‌های بعدی سیاست درباره ایران، عمیق بیاندیشد. به‌ویژه باید درک کند که چگونه می‌توان حلقه تحریم را تنگ‌تر کرد و چه تحریم‌های تازه‌ای می‌تواند مؤثر واقع شود؛ چگونه می‌توان ایران را از هر دو جبهه هسته‌ای و هم از فعالیت در جاهایی چون عراق و افغانستان بر حذر داشت و شاید از همه مهم‌تر چگونه می‌توان تغییری اساسی در درون جمهوری اسلامی را پرورش داد و تشویق کرد. نویسنده در پایان گزارش با اشاره به شکست شیوه تعامل با ایران تأکید می‌کند که بازگشت به همان شیوه شکست خورده که معرف دو سال اول دولت اوباما است، پیشرفت به‌شمار نمی‌رود؛ دو سال وقت تلف کردن اوباما به دولت ایران زمان باارزشی داد تا به تلاش‌های هسته‌ای خود بپردازد، اما ادامه چنین سیاستی بسیار خطرناک خواهد بود.

عنوان: تحریم‌ها را رها نکنید^۱

نویسنده: روئل مارک گرشت و مارک دوبویتس

منبع: New York Times^۲

پیشنهاد این دو کارشناس به دولت اوباما آن است که به جای تحریم نفتی ایران، تحریم نفتی هوشمند و مؤثری علیه این کشور به مورد اجرا گذارد که دستیابی دولت تهران به درآمدهای نفتی را کمتر کند. براساس نظر این دو کارشناس آمریکایی اگر دولت اوباما بخواهد نفت ایران را تحت تحریم‌های کلی بین‌المللی قرار دهد قیمت جهانی این ماده حیاتی افزایشی جهشی خواهد یافت و دولت ایران در این صورت با فروش کمتر نفت، درآمدی بیشتر کسب خواهد کرد و در عوض این مصرف‌کنندگان آمریکایی هستند که باید عواقب ناشی از بالا رفتن قیمت‌ها را تحمل کنند. از نظر این دو کارشناس آمریکایی در صورتی که دولت اوباما بخواهد فشار تحریمی به ایران را افزایش دهد باید سراغ تحریم‌های هوشمند و مؤثر نفتی برود. اگر آمریکا بخواهد تحریم نفتی مؤثری علیه ایران اعمال کند باید تمامی شرکت‌های نفتی اروپایی و اکثر شرکت‌های نفتی آسیایی درگیر در معاملات نفت ایران را، که با بانک مرکزی، سپاه پاسداران انقلاب و یا شرکت ملی نفت ایران همکاری دارند، از فعالیت در آمریکا منع کند، اما در عین حال نباید مانع همکاری شرکت‌های کشورهای دیگری از قبیل چین با دولت ایران شود. استدلال این دو کارشناس آمریکایی بر این مبنا استوار است که در

1. Reuel Marc Gerecht and Mark Dubowitz, Don't Give Up On Sanctions, Nytimes, 18 November, 2011.

۲. نیویورک تایمز از مهمترین نشریات آمریکایی است.



این صورت شمار خریداران نفت ایران کاهش می‌یابد، بی‌آنکه از مقدار و موجودی نفت در بازارها کم شده و قیمت نفت افزایش یابد.

براساس این گزارش با اعمال تحریم‌های مؤثر و با کم شدن تعداد خریداران نفت ایران رقابت بر سر خرید نفت این کشور کاهش یافته و قدرت شرکت‌های چینی برای چانه زدن و کسب تخفیف‌های بیشتر از تهران بالا خواهد رفت و در چنین شرایطی است که دولت ایران ده‌ها میلیارد دلار درآمد نفتی را از دست می‌دهد و موضع قدرتش تضعیف خواهد شد. این روش تحریم ایران ممکن است از نظر بعضی‌ها ناخوشایند بوده و به معنای پاداش دادن به رفتار بد چینی‌ها تلقی شود، اما باید توجه داشت که هدف غایی تحریم‌ها وارد کردن فشار بیشتر به تهران است نه الزاماً فراهم کردن استدلال‌های اخلاقی برای آمریکایی‌ها.

عنوان: بازهای آمریکایی حامی جنگ عراق، خواهان حمله به ایران هستند^۱

نویسنده: جیم لوب

منبع: Inter Press Service^۲

نومحافظه‌کاران تأثیرگذار و برخی دیگر از دست راستی‌ها که در سال ۲۰۰۳ قهرمان اشغال عراق به‌شمار می‌رفتند، خواهان حمله نظامی به ایران، جهت تلافی توطئه ترور سفیر عربستان سعودی در واشنگتن شدند. اتهامات اصلی از طرف «مؤسسه ابتکار سیاست خارجی» که جانشین ایدئولوژیک «پروژه برای قرن جدید آمریکایی» است، مطرح شده است. مؤسسه اخیر نقش اساسی در بسیج حمایت برای تغییر رژیم در عراق در اواخر دهه ۱۹۹۰ داشت و بلافاصله پیشگام تبلیغات عمومی برای اشغال آن کشور پس از حملات ۱۱ سپتامبر گردید. این گروه توسط دو نفر از رهبران نام‌های با سربرگ خود را به خبرنگاران تحویل داد که در آن خواهان حمله نظامی شده‌اند. ویلیام کریستول سردبیر و مؤسس هر دو سازمان نوشت، دامنه این توطئه منتسب به ایران به حدی رسیده که انگار تهران می‌خواهد که به او حمله شود. وی معتقد است: ما می‌توانیم به سپاه پاسداران انقلاب ایران حمله کرده و آنها را تضعیف کنیم. همچنین می‌توانیم به برنامه تسلیحات اتمی آن کشور ضربه زده و آن را به عقب برانیم. وی همچنین در این مقاله توصیه کرد کنگره باید قطعنامه‌ای را تصویب کند و اجازه دهد که علیه ایرانیان و یا واحدهایی که مسئول حمله به نظامیان آمریکا در

1 Jim Lobe, U.S. Hawks Behind Iraq War Rally for Strikes Against Iran, IPS, Washington, 17 October, 2011.

۲. سازمان و خبرگزاری بین‌المللی که به مسائل مختلف در کشورهای جنوب می‌پردازد.



عراق و افغانستان هستند و یا در اجرای عملیات تروریستی شرکت داشته و یا به برنامه تسلیحات هسته‌ای، حمله کند. توصیه کریستول توسط جیمی فلی دبیر اجرایی مؤسسه ابتکار سیاست خارجی تأیید شد. او نوشت که وقت آن رسیده که علیه آن دسته از دولتمردان ایران که از تروریسم و برنامه هسته‌ای حمایت می‌کنند، عملیات نظامی انجام دهیم. روش‌های دیپلماتیک دیگر کافی نیست. توصیه این مؤسسه توسط دیگر طرفداران سابق جنگ عراق مانند جان بولتن سفیر بوش در سازمان ملل متحد و روث گرگت در «بنیاد نومحافظه‌کاران در دفاع از دموکراسی» تأیید و تبلیغ شد و این درحالی است که بحث‌ها بر سر صحت و یا عدم صحت توطئه علیه عبدالجبار سفیر عربستان سعودی و چگونگی برخورد با آن هنوز ادامه داشته و دولت مدعی است که این طرح قرار بود با مجوز سطوح بالا در تهران اجرا گردد.

دو دسته از کارشناسان در واشنگتن در مورد اینکه این توطئه واقعی بوده و اگر بوده آیا با مجوز مقامات عالی‌رتبه قرار بوده انجام شود، تردید دارند. تقریباً کلیه صاحب‌نظران مسائل ایران از جمله دولتمردان و پرسنل اطلاعاتی اسبق متخصص ایران در مورد این طرح تردید قطعی داشته و با حیرت‌زدگی می‌پرسند که اگر واقعاً این طرح اجرا می‌شد، تهران امیدوار بود چه ثمری از ترور سفیر عربستان سعودی در خاک آمریکا کسب کند؟ درباره این طرح توطئه ولی نصر یکی از محققان مؤسسه بروکینگز نوشت: هیچ چیزی جز حیرت‌آور بودن نمی‌توان گفت. اگر این طرح توطئه صحت داشته باشد، بیانگر یک انحراف اساسی در قضاوت ایران بوده، یک بی‌پروایی و یک ماجراجویی بی‌مهابا که شکست می‌خورد؛ همان‌طوری که رژیم با این اشتباه

غیرقابل برگشت در صحنه بین‌المللی تضعیف شده و قدرت‌ش را متزلزل می‌کند. کارشناسان ضدتروریسم که در مورد نیروی قدس مطلعند، در مورد صحت این توطئه تردید بیشتری دارند. به‌ویژه آنکه ادعا شده این طرح قرار بوده توسط یک ایرانی آمریکایی و از فروشندگان اتومبیل‌های دست دوم که با عضو کارتل مواد مخدر زتاس در مکزیک تماس گرفته به اجرا درآید. بروس رایدل، یکی از مأموران کارآزموده سیا که در گذشته در بخش خاور نزدیک و جنوب آسیا در شورای امنیت ملی کار می‌کرد در مورد این طرح گفت: مشکوک است، مشکوک است، مشکوک است. همچنین روبرت بائر یکی از افسران سابق سیا در بخش خاورمیانه این طرح را یک نمایشنامه هالیوودی بسیار بد تشبیه نمود. وی در وب سایت مجله تایم نوشت: هیچ بخشی از این طرح با میزان مهارت ایران جور در نمی‌آید.

با وجود این تردیدها، تاکنون کابینه، دست راستی‌های با نفوذ و طرفداران اسبق جنگ عراق، از دادن پاسخ قاطع منصرف نشده‌اند. در حقیقت اوپاما خود گفت، خواهان وضع سخت‌ترین تحریم‌ها علیه ایران از طرف هم‌پیمانان آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهد شد. گرکت که یکی از طرفداران اشغال عراق بود و در آن زمان در مؤسسه آمریکن اینترپرایز کار می‌کرد در روز جمعه در وال استریت ژورنال در صفحه سردبیری که به شدت تحت نفوذ نومحافظه‌کاران است، نوشت: وضع تحریم‌های زیاده‌تر نیز ایده بدی نیست، اما این رژیم را هراسان نخواهد ساخت. کاخ سفید مجبور است با این بی‌حرمتی، با عملیات نظامی پاسخ دهد. اگر پاسخ ندهیم بدان مفهوم است که ما خواهان چنین وضعیتی هستیم. اندرو مکاریتی، یکی دیگر از



حامیان جنگ عراق نوشت: اقدامات متعدد سیاسی را می‌توان انجام داد ولیکن با در نظر گرفتن سه دهه تجاوز، پاسخ به ایران باید نظامی و قاطع باشد. این رژیم باید منهدم گردد. درخواست «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» برای انجام عملیات نظامی از آن نظر حائز اهمیت است که سه نفر از چهار نفر رؤسای این گروه یعنی ایک ایدلمان، رابرت کیگان و دن سنور اخیراً به‌عنوان مشاوران کلیدی میت رامنی کاندیدای پیشتاز جمهوریخواهان در انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۲ برگزیده شده‌اند. اگرچه رامنی در مورد اینکه چگونه باید واشنگتن در مورد این طرح توطئه عمل کند تاکنون ساکت مانده ولیکن تعدادی از مشاوران او که مبلغین اشغال عراق به‌شمار می‌آیند، برای مدت طولانی از آمریکا خواسته‌اند که تهدید نظامی علیه ایران را جدی‌تر و معتبرتر کند. رومنی در اولین سخنرانی اعلام سیاست‌هایش که در دو هفته گذشته ایراد کرد درخواست نمود که دو فروند ناو هواپیمابر به‌عنوان بازدارندگی در مقابل تهران به‌طور دائم، در منطقه مستقر گردند.

عنوان: حمله نظامی علیه ایران تنها به افزایش نفوذ آن منجر می‌شود^۱

نویسنده: جیمز دابینز

منبع: Rand Corporation^۲

این گزارش به بررسی پیامدهای حمله نظامی به ایران برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای آن پرداخته و تأکید کرده است که این اقدام نه تنها به توقف روند هسته‌ای شدن ایران منجر نمی‌شود، بلکه زمینه کاهش انزوا، افزایش نفوذ ایران، بهبود انسجام داخلی و افزایش قدرت نفوذ جمهوری اسلامی ایران را به وجود می‌آورد. نویسنده در ابتدای این گزارش با اشاره به اینکه با انتشار گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک بار دیگر احتمال حمله هوایی آمریکا یا اسرائیل برای انهدام تأسیسات هسته‌ای ایران مطرح شده است این مسئله را مطرح می‌کند که صرف‌نظر از اینکه آیا چنین اقدامی اصولاً عاقلانه است، دو نکته در مورد آن همواره مورد توجه مقامات و کارشناسان سیاسی، نظامی و امنیتی کشورهای غربی و اسرائیل می‌باشد: اولاً امکانپذیر بودن چنین حمله ویرانگری به تأسیسات هسته‌ای ایران و ثانیاً فایده و تأثیر آن در توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران. در این میان، برخی مقامات آمریکا از جمله رابرت گیتس وزیر دفاع سابق آمریکا معتقدند که حمله نظامی آمریکا به اهداف ایران فقط می‌تواند پیشرفت جمهوری اسلامی به سوی قابلیت تسلیحات هسته‌ای را به تأخیر اندازد نه اینکه آن را برای همیشه متوقف سازد، زیرا برخی از سایت‌های

1. James Dobbins, An Attack Would Only Strengthen Iran's Influence, Rand Corporation, 16 November, 2011.

۲. یکی از پایگاه‌های تحلیلی وابسته به نئومحافظه کاران آمریکایی است.



هسته‌ای ایران ده‌ها متر در عمق زمین واقع شده‌اند و بعضی دیگر نیز احتمالاً به‌طور کامل مخفی هستند که بدین ترتیب هرگز آسیب جدی نخواهند دید. ضمن اینکه، بیشتر دانش و مهارت ایران که قبلاً به‌دست آمده است، بر اثر چنین حمله‌ای هرگز از بین نخواهد رفت. اما پس از حمله نظامی، جمهوری اسلامی ایران احتمالاً برنامه هسته‌ای خود را به‌طور کامل در خفا دنبال نموده یا از سایت‌های هسته‌ای خود به‌شدت محافظت می‌نماید. ائتلاف جهانی که آمریکا در مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران ایجاد نموده است از هم فرو خواهد پاشید. تصویب تحریم‌های بین‌المللی دشوارتر شده و تحقق آن احتمالاً غیرممکن خواهد شد. در این‌صورت برخی از کشورها تمایل بیشتری برای کمک به برنامه هسته‌ای ایران پیدا کرده یا حداقل نسبت به کنترل شدید ایران تمایل کمتری از خود نشان می‌دهند.

مسئله فایده یا سودمندی گزینه نظامی نیز حول این محور می‌چرخد که آیا مهار نفوذ ایران در سرتاسر منطقه خاورمیانه پس از حمله نظامی آسان‌تر خواهد شد یا دشوارتر. در اینجا باید اذعان داشت که این حمله نظامی ایران نیست که کشورهای همسایه را به وحشت می‌اندازد، بلکه آنها از رویکرد براندازی جمهوری اسلامی نگران هستند. تهران می‌تواند عناصر مخالف در جوامع کشورهای همسایه - مانند شیعیان لبنان، عراق، عربستان سعودی و کشورهای حوزه خلیج فارس و حتی عناصر رادیکال‌تر در میان مردم فلسطین - را به سمت خود جلب نماید که عمده نگرانی این کشورهاست. از دیگر عوامل محبوبیت ایران در سراسر خاورمیانه این است که ایران به‌عنوان مقر فعالیت‌های ضدآمریکایی و ضداسرائیلی شناخته می‌شود که بیشتر

این‌گونه اقدامات رژیم‌های منطقه را نگران می‌سازد. این مسئله حتی در مورد اسرائیل نیز صدق می‌کند که نقطه ضعف اصلی آن فشار ناشی از حمله نظامی ایران نیست، بلکه حمله نظامی حماس و حزب‌الله با حمایت همه‌جانبه ایران از مهمترین نگرانی‌های تل‌آویو به‌شمار می‌رود. مهار این نفوذ قطع به یقین پس از حمله نظامی بدون دلیل آمریکا و اسرائیل دشوارتر نیز خواهد شد. ازسوی دیگر اگرچه بیشتر کشورهای همسایه ایران به‌صورت غیرعلنی با این حمله پیش‌دستانه موافق هستند، اما تعداد اندکی علناً از آن حمایت می‌کنند، زیرا واکنش توده مردم کشورهای همسایه عموماً مخالف با چنین حمله‌ای است. ازاین‌رو، همدردی با جمهوری اسلامی ایران مهار نفوذ تهران را برای اسرائیل، آمریکا و رژیم‌های عربی متحد و اشنگتن دشوارتر خواهد ساخت. این مسئله به‌ویژه در مورد جوامعی مانند مصر صدق می‌کند که اخیراً روند دمکراسی را طی کرده‌اند و افکار عمومی آنها دیگر محدودیت سابق را ندارد و از نفوذپذیری بیشتری برخوردارند.

براین اساس با توجه به محدودیت‌های اقدام نظامی علیه ایران و پیامدهای حمله نظامی به این کشور تنها راه ممکن این است که حداکثر تا یک یا دو سال آینده دولتمردان ایران را باید متقاعد کرد که ساخت، آزمایش و استقرار تسلیحات هسته‌ای، مشابه با کره شمالی، فقط موجب افزایش انزوای بین‌المللی، کاهش نفوذ و در نهایت افزایش آسیب‌پذیری نظام جمهوری اسلامی در برابر تغییرات داخلی خواهد شد. در این میان، مسلماً تهدید به اقدام نظامی و حتی اجرای آن فقط اثر معکوس خواهد داشت، یعنی زمینه کاهش انزوای جمهوری اسلامی ایران، افزایش نفوذ تهران و بهبود انسجام داخلی و تحکیم اراده برای ساخت و استقرار تسلیحات داخلی تا حد امکان را به‌وجود خواهد آورد.



عنوان: خأهای آشكار در اتهامات هسته‌ای به ایران^۱

نویسنده: گرت پورتر

منبع: Middle East Online^۲

تضاد در اتهامات مطرح شده در گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران به خوبی دیده می‌شود. بسیاری از تدروهای آمریکایی که درباره تسلیحات کشتار جمعی عراق داستان‌سرایی کرده بودند، حالا به صحنه بازگشته‌اند و اتهامات جدید علیه ایران درخصوص تسلیحات هسته‌ای مطرح می‌کنند. اما برخی از این اتهامات نیز مانند مسئله عراق بی‌پایه و اساس است. یک بازرس سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادعای جدید آژانس را مبنی‌بر اینکه ایران یک اتاق انفجار برای آزمایش قطعات بمب هسته‌ای ساخته، رد کرده است. آژانس ادعا می‌کند یک دانشمند خارجی به نام ویچسلاو دانیلنکو در ساخت این اتاقک به ایران کمک کرده است. اما این فرد در مصاحبه‌ای، ادعای آژانس را به کلی رد کرده است. رابرت کلی، بازرس سابق آژانس نیز ادعاهای آژانس را درباره چنین اتاقکی باطل دانسته و آن را منحرف‌کننده خوانده است. رابرت کلی مهندس هسته‌ای که سربازرس آژانس در عراق بود و الان نیز محقق ارشد در مؤسسه پژوهش‌های صلح استکهلم است، در مصاحبه با شبکه اخبار واقعی گفت که اتاقکی که به گفته آژانس برای جا دادن ۷۰ کیلوگرم مواد منفجره ساخته شده است، برای آزمایش هیدرودینامیک یک بمب هسته‌ای قابل استفاده نیست،

1. Gareth Porter, Cracks Open in Iran Nuke Charges, Middle East Online, 21 November, 2011.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی که به بررسی مسائل منطقه خاورمیانه می‌پردازد.

زیرا قدرت مواد منفجره بمب هسته‌ای خیلی بیش از ظرفیت این اتاقک است. وی افزود: انجام دادن آزمایش هیدرودینامیک در یک کانتینر داخل ساختمان دیوانگی محض است.

آژانس و دیپلمات‌های ناشناس به این نتیجه رسیده‌اند که یک دانشمند هسته‌ای شوروی سابق که رسانه‌ها اسمش را دانیلنکو ذکر کرده‌اند، به ساخت اتاقک در سایت پارچین کمک کرده است، اما ادعاهای آنها با هم و با اسناد کار دانیلنکو در ایران مغایرت دارد. آژانس انکار نمی‌کند که دانیلنکو در واقع یک متخصص در زمینه نانو الماس است. با وجود این، در گزارش آژانس از ارتباط این فرد با اتاقک پارچین صحبت شده است. دانیلنکو در مصاحبه با رادیو آزاد اروپا گفت که او هیچ تخصصی در زمینه تسلیحات هسته‌ای ندارد. وی افزود: من اصلاً از فیزیک هسته‌ای چیزی نمی‌دانم. اگرچه در روند ساخت نانو الماس انفجاری از مواد منفجره در یک اتاقک کانتینری استفاده می‌شود، این اتاقک شباهت چندانی به اتاقک‌های مخصوص آزمایش چاشنی‌های بمب هسته‌ای ندارد. تولید الماس به درجه دقتی که برای انفجار چاشنی یک وسیله هسته‌ای لازم است، نیاز ندارد و برخلاف مواد منفجره‌ای که در آزمایش چاشنی هسته‌ای به کار می‌رود، مواد منفجره استفاده شده در تولید نانوالماس باید زیر آب و در یک استخر سرریسته باشد.



عنوان: پیامدهای بلندمدت حمله اسرائیل به ایران^۱

نویسنده: پال راجرز

منبع: Oxford Research Group^۲

این گزارش با مفروض گرفتن احتمال حمله اسرائیل به ایران، شیوه و اهداف حمله و همچنین پیامدهای بلندمدت آن را بررسی می‌کند. بر این اساس، نویسنده بر این باور است که هر حمله احتمالی سه ویژگی اصلی دارد: اول آنکه صرفاً محدود به تأسیسات هسته‌ای و یا حتی پایگاه‌های نظامی و موشکی نخواهد بود، بلکه اسرائیل برای آنکه بتواند حداکثر ضربه را به توان فنی و علمی ایران بزند به مراکز تحقیقاتی و حتی آزمایشگاه‌های دانشگاهی هم حمله می‌کند؛ دوم آنکه این حملات لزوماً در مناطق غیرشهری نخواهند بود بلکه شهرهای مسکونی از جمله تهران و به‌خصوص منازل مقامات سیاسی و فنی و همچنین دانشمندان ایران هم مورد حمله قرار می‌گیرد؛ و نهایتاً آنکه این حمله حتماً با اطلاع، هماهنگی و احتمالاً همراهی آمریکا صورت می‌گیرد. لذا یکی از نتایج اولیه این اقدام، تلفات غیرنظامی گسترده خواهد بود. با این حال از آنجا که این حملات نمی‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را کاملاً نابود کند این حملات به‌صورت مداوم ادامه خواهد داشت. در مقابل، پاسخ ایران حمله متقابل فوری خواهد بود، بلکه اولویت آن دستیابی سریع به تسلیحات هسته‌ای خواهد بود. از طرف دیگر هر دولتی که در آن زمان بر سر کار باشد شاهد وحدت گسترده جامعه و

1. Paul Rogers, The Long-term Consequences of an Israeli Attack On Iran, Oxford Research Group Briefing Paper, November, 2011.

۲. از گروه‌های فکری و مؤسسات پژوهشی انگلستان.

حمایت آن از اقدامات شدید علیه اسرائیل خواهد بود. در آن زمان، ایران گزینه‌های مختلفی خواهد داشت از جمله خروج از ان.پی.تی، حمله به اسرائیل، حمله به آمریکا و متحدینش در منطقه، بستن تنگه‌هرمز و اقدامات مختلفی که امنیت منطقه را به هم بزند. با لحاظ کردن این وضعیت و ارزیابی پیامدها، باید گفت که اساساً حمله به ایران را نمی‌توان در کوتاه‌مدت به نتیجه رساند و پاسخ‌های ایران نیز به‌گونه‌ای خواهد بود که پیامدهای آن تا بلندمدت امنیت منطقه را متأثر می‌سازد. بنابراین به‌نظر می‌رسد با توجه به تلفات و پیامدهای امنیتی مترتب بر این‌گونه اقدامات، باید اساساً گزینه نظامی را برای حل مسئله هسته‌ای ایران کنار گذاشت، زیرا بیش از آنکه سازنده باشد باعث تخریب وضعیت امنیتی‌شکننده منطقه می‌گردد.



عنوان: جنگ الکترونیک - برنامه سری حمله اسرائیل به ایران^۱

نویسنده: الی لیک

منبع: The Daily Beast^۲

در طول یک دهه گذشته همزمان با ادامه برنامه هسته‌ای ایران، اسرائیل نیز در حال طراحی و تکمیل مجموعه‌ای از سلاح‌های بسیار پیشرفته الکترونیکی بوده است. اسرائیل با استفاده از تجهیزات در صورت حمله نظامی به ایران، می‌تواند دفاع ضد هوایی ایران را کور کرده یا گمراه کند. ارزیابی دستگاه‌های امنیتی آمریکا در تابستان سال جاری حاکی از آن بوده است که در صورت حمله نظامی پیش‌دستانه اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، ارتش اسرائیل علاوه بر جنگنده بمبافکن‌های اف ۱۵ و اف ۱۶ از سلاح‌های الکترونیکی نیز استفاده خواهد کرد که می‌توانند شبکه برق، ارتباطات، تلفن موبایل و حتی شبکه بی‌سیم سرویس‌های اضطراری مثل آتش‌نشانی و پلیس را کاملاً مختل کنند. در سال ۲۰۰۷ و در جریان حمله هوایی به «الکبار» در خاک سوریه که گفته می‌شد محل تأسیسات هسته‌ای آن کشور است، ارتش اسرائیل از این تجهیزات استفاده کرده و سیستم‌های رادار و ردیابی ضد هوایی سوریه را گمراه کرد. اسرائیل ابتدا کاری کرد که این رادارها نتوانند ورود جت‌های اسرائیل را تشخیص دهند و بعد طوری آنها را گمراه کرد که گویا صدها فروند جنگنده اسرائیلی وارد حریم هوایی سوریه شده‌اند. به احتمال زیاد اسرائیل روی

1. Eli Lake, Israel's Secret Iran Attack Plan: Electronic Warfare - The Daily Beast, 16 November, 2011.

۲. از نشریات آمریکایی است که همکاری جدی با نشریه نیوزویک دارد.

نقطه ضعف شبکه برق شهرهای بزرگ ایران نیز تمرکز خواهد کرد. دو سال پیش دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا پی بردند که این شبکه‌ها به اینترنت متصل هستند و بنابراین می‌توان با استفاده از بدافزارهایی مثل «استاکسنت» به آنها ضربه زد. به گفته مقامات امنیتی آمریکا ارتش اسرائیل در صورت حمله به ایران علاوه بر جنگنده بمبافکن‌ها از موشک‌های دوربرد و هواپیماهای بدون سرنشین نیز استفاده خواهد کرد. گزارشی که در سال ۲۰۱۰ در روزنامه اسرائیلی «جروزالم پست» منتشر شد از قول فرمانده جنگ‌افزارهای الکترونیکی اسرائیل نوشت: «هدف ما توسعه و بهبود توانمندی‌های این واحد و نابود کردن سیستم‌های دفاعی و ساختارهای کارکردی دشمن است». فارغ از اینکه اسرائیل در نهایت چه تصمیمی در مورد مقابله با خطر هسته‌ای ایران بگیرد از هم اکنون یک نکته کاملاً روشن است. هدف بخشی از اقدامات دولت اسرائیل این است که به مقامات ایران بفهماند که احتمال حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای آن کشور بسیار قوی است. این مقام اسرائیلی گفت بهترین و تنها راه برای متوقف کردن یک برنامه هسته‌ای تحریم‌های شدید و تهدید آن کشور به حمله نظامی است. مورد لیبی یک نمونه برجسته از این استراتژی بود.

مسلماً دولت اسرائیل درست در زمانی که مقامات این کشور از حمله به ایران صحبت می‌کنند چنین کاری را نخواهد کرد. اگر نمونه‌های قبلی را مبنا قرار دهیم معمولاً چنین حملاتی زمانی صورت می‌گیرند که دستگاه‌های تبلیغاتی و محافل سیاسی اسرائیل ساکت می‌شوند. نمونه آن حمله سال ۱۹۸۱ این کشور به تأسیسات تسلیحاتی عراق است. در آن زمان سفیر آمریکا در تل‌آویو احتمال وقوع چنین



حمله‌ای را به مقامات کاخ سفید هشدار داده بود. ولی در نهایت اسرائیل این حمله را بدون اطلاع آمریکا صورت داد. ولی درست در زمانی به وقوع پیوست که بحث در مورد آن در رسانه‌ها، در محافل سیاسی و حتی در گفتگوها با آمریکا کاملاً متوقف و ساکت شده بود. شاید دولت باراک اوباما به خوبی از این تجارب آموخته و به همین خاطر به رهبران اسرائیل اعلام کرده که بدون اطلاع آمریکا دست به چنین حمله‌ای نزنند. اما باز اگر تاریخ را مبنا قرار دهیم در حمله هوایی اسرائیل به تأسیسات سوریه، با وجود آنکه جرج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، با این حمله مخالفت کرده و به اسرائیل توصیه کرد راه‌حل دیپلماتیک را در پیش بگیرند، دولت وقت اسرائیل به نخست‌وزیری ایهود اولمرت ضمن تشکر از توصیه‌های آمریکا نظر خود را پیش برد و این حمله را به انجام رساند. یکی از نزدیکان بنیامین نتانیا‌هو می‌گوید وی از زمان آغاز نخست‌وزیری با خود عهد کرده است که اشتباه ایهود اولمرت را مرتکب نشود «بهتر است به جای کسب اجازه پس از انجام عملیات مورد نظر عذرخواهی کرد».

عنوان: تعامل با ایران در حال هسته‌ای شدن^۱

نویسنده: جیمز دابینز و دیگران

منبع: RAND^۲

آنچه همسایگان کشورهای همسایه ایران را به وحشت می‌اندازد حمله نظامی به ایران نیست، بلکه آنها از رویکرد براندازی جمهوری اسلامی نگران هستند. تهران می‌تواند عناصر مخالف در جوامع کشورهای همسایه را به طرف خود جلب نماید، نظیر شیعیان لبنان، عراق، عربستان سعودی و کشورهای حوزه خلیج فارس و حتی عناصر افراطی‌تر در میان مردم فلسطین که عمده نگرانی این کشورهاست. از دیگر عوامل محبوبیت ایران در سراسر خاورمیانه آنست که تهران به‌عنوان مقر فعالیت‌های ضدآمریکایی و ضداسرائیلی شناخته می‌شود که بیشتر این‌گونه اقدامات رژیم‌های منطقه را نگران می‌سازد. این مسئله حتی در مورد اسرائیل نیز صدق می‌کند که نقطه ضعف اصلی آن فشار ناشی از حمله نظامی ایران نیست، بلکه حمله نظامی حماس و حزب‌الله با حمایت همه‌جانبه ایران از مهمترین نگرانی‌های تل‌آویو به‌شمار می‌رود. مهار این نفوذ قطع به یقین پس از حمله نظامی بدون دلیل آمریکا و اسرائیل دشوارتر نیز خواهد شد. بیشتر رژیم‌های همسایه به‌صورت غیرعلنی با این حمله پیش‌دستانه موافق هستند، اما تعداد اندکی علناً از آن حمایت می‌کنند. واکنش توده مردم کشورهای همسایه عموماً مخالف با چنین حمله‌ای است. همدردی افکار عمومی با

1. James Dobbins et al, Coping with a Nuclearizing Iran, RAND, November 2011.

۲. از مراکز پژوهشی تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا است.



جمهوری اسلامی ایران مهار نفوذ تهران را برای اسرائیل، آمریکا و رژیم‌های عربی متحد و اشنگتن دشوارتر خواهد ساخت. این مسئله به‌ویژه در مورد جوامعی صدق می‌کند که اخیراً روند دمکراسی را طی کرده‌اند نظیر مصر و افکار عمومی آنها دیگر محدودیت سابق را ندارد و از نفوذپذیری بیشتری برخوردارند.

حداکثر تا یک یا دو سال آینده دولتمردان ایران باید متقاعد شوند که ساخت، آزمایش و استقرار تسلیحات هسته‌ای، مشابه با کره شمالی، فقط موجب افزایش انزوای بین‌المللی، کاهش نفوذ و در نهایت افزایش آسیب‌پذیری حکومت در برابر تغییرات داخلی خواهد شد. تهدید به اقدام نظامی و حتی اجرای آن فقط اثر معکوس خواهد داشت یعنی کاهش انزوای جمهوری اسلامی ایران، افزایش نفوذ تهران و بهبود انسجام داخلی و تحکیم اراده برای ساخت و استقرار تسلیحات داخلی تا حد امکان. دستیابی جمهوری اسلامی به تسلیحات هسته‌ای یا حتی توانایی ساخت آنها حتمی نیست، اما کاملاً محتمل است. ایالات متحده آمریکا باید یک استراتژی چندلایه و دقیق طرح‌ریزی نماید مبنی‌بر اینکه قبل، بعد و حتی در زمان عبور ایران از مرز هسته‌ای شدن چگونه باید با تهران رفتار نماید.

این پژوهش با تحلیل منافع ایالات متحده آمریکا در قبال ایران و سیاست‌های واشنگتن جهت نیل به آنها از لحاظ تاریخی آغاز می‌گردد. ضمن اینکه، سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همسایه را نیز مورد کنکاش قرار می‌دهد. عمده ابزارهای سیاسی موجود برای سیاستگذاران آمریکا عبارتند از: دیپلماسی، تحریم‌های اقتصادی، اقدامات نظامی و مخفیانه و نیز عوامل مختلف قدرت نرم که در

این تحقیق بدان‌ها پرداخته شده و راه‌حل‌های راهبردی را به سیاستگذاران داخلی پیشنهاد داده است. در این میان، هرچند سیاست مهار باید در کانون سیاست‌های واشنگتن در قبال مسئله ایران باقی بماند، اما در راستای جلوگیری از بروز منازعات ناخواسته اندک تعاملی نیز باید بین دو کشور وجود داشته باشد. این مسئله شامل منازعات احتمالی ناشی از اقدامات بازدارنده طرفین است که با هدف تضمین امنیت و اطمینان خاطر کشورهای همسایه و پشتیبانی از روند دمکراسی‌سازی در درون جوامع خاورمیانه طراحی شده است که واشنگتن هنوز با آنها در تعامل بوده و در آن منطقه نفوذ دارد. حمایت از روند دمکراسی‌سازی در کشورهای همسایه بهترین راه برای نشان دادن تصویر مناسبی از آمریکا به مردم ایران است که طبق تحقیقات به عمل آمده آرزوی چنین تغییراتی را در سر می‌پروراند. در این میان هیچ گروهی، حتی اصلاح‌طلبان، از توقف غنی‌سازی اورانیم حمایت نمی‌کند، اما هنوز این احتمال وجود دارد که بتوان جمهوری اسلامی را از تولید، آزمایش و استقرار تسلیحات هسته‌ای منصرف کرد. به اعتقاد پژوهشگران، این مسئله باید به‌عنوان هدف کوتاه‌مدت در دستور کار واشنگتن قرار گیرد ضمن اینکه کاخ سفید همچنان باید روند تقویت رژیم تحریم علیه ایران را ادامه دهد تا بلکه در نهایت تهران، شاید تحت رهبری جدید، به نقطه‌ای برسد که مفاد پیمان ان‌پی‌تی را به‌طور کامل رعایت نماید. اعمال تحریم‌های مختلف تأثیر اندکی بر سیاست ایران داشته، اما از سوی دیگر ظرفیت جمهوری اسلامی برای تحقق اهداف نظامی و سایر اشکال نفوذ را به‌شدت کاهش داده است. این سیاست همچنین می‌تواند مانع از این گردد که سایر کشورهای جهان



نیز راه جمهوری اسلامی ایران را برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای در پیش گیرند. سیاست مهار فقط رفتار خارجی ایران را متأثر می‌سازد و پیش‌دستی نیز فقط متمرکز بر برنامه هسته‌ای ایران است. بازدارندگی نیز فقط در صورت ترکیب با مهار و سطحی از تعامل و به‌صورت کوتاه‌مدت اثرگذار است. لذا آمریکا باید مجموعه‌ای از گزینه‌ها را علیه ایران فعال نگه دارد.

عنوان: پیروزی‌های غیرواقعی اوباما در قبال ایران را واقعی کنید^۱

نویسنده: ولی نصر

منبع: New York Times^۲

اگر راهبرد آمریکا در مقابل ایران وادار کردن آن به سازش بوده، در این امر شکست خورده است. امروز به نظر می‌رسد که سیاست آمریکا در برابر ایران دچار آشفتگی است. به نظر می‌رسد که ادعاهای دولت اوباما مبنی بر پیروزی در برابر ایران توخالی است. ایران نه تنها تسلیم نشده است، بلکه بر مقاومت و لجاجت خود نیز افزوده است و آن ائتلاف بین‌المللی گسترده‌ای که آمریکا در برابر ایران تشکیل داده بود دچار شکاف شده است. چنین استدلال می‌شد که رویکرد دولت اوباما در حال نتیجه دادن است و دنیا کنار آمریکا ایستاده و ایران تأدیب شده به دنبال راهی برای خروج از انزواست. اما ایرانی که امروز می‌بینیم این‌گونه به نظر نمی‌رسد. سؤال اینجاست که چرا سیاست آمریکا در ایجاد اجماع جهانی برای فشار به ایران شکست است. سیاست‌های اوباما در خصوص ایران هرگز آنقدر که گفته می‌شد مؤثر و نتیجه‌بخش نبود. شاید نتوان ارزش کرم استاکس نت را نادیده گرفت، اما این گزینه فقط موجب تأخیر در بلندپروازی‌های هسته‌ای ایران شد و آنها را فلج نکرد. در خصوص تحریم‌ها نیز محدودیت‌های بین‌المللی تصویب شده در سازمان ملل به‌طور کامل اجرا نشده است و تدابیر یک‌جانبه‌ای که آمریکا و کشورهای اروپایی تاکنون اتخاذ کرده‌اند

1. Vali Nasr, Making Real the Obama Iran Victories That Never Were, New York Times, 23 November, 2011.

۲. از مهمترین نشریات دمکرات‌ها در ایالات متحده است.



به اندازه‌ای که دولت اوپاما ادعا می‌کند موفقیت‌آمیز نبوده است.

ماجرای توطئه ادعایی برای ترور سفیر عربستان در واشنگتن حاکی است ایران آن‌طور که دولت اوپاما ادعا کرده، رام نشده است. بر همین اساس، اعتبار ادعای تیم اوپاما مبنی بر اینکه سیاست‌های آنها ایران را رام کرده، زیر سؤال است. ازسوی دیگر، گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، که واشنگتن آن را در بوق و کرنا کرده است، در خارج از آمریکا چیزی جز یک اقدام نمایشی و خیره‌کننده تلقی نشد. یافته‌های آژانس، که موظف است به مجمع عمومی سازمان ملل گزارش بدهد، بیش از آنکه قانع‌کننده باشد، تأمل‌برانگیز است. این گزارش حاوی شواهد عینی و ملموس نیست و روی جزئیات کلیدی مبهم و درباره هشدارها پرتفصیل ظاهر می‌شود. برای همین است که با مقاومت سریع روسیه و چین مواجه شد.

درس اساسی برای دولت اوپاما بسیار ساده است: اندکی فروتنی و میانه‌روی می‌توانست مؤثر بیافتد. مواجهه با ایران هرگز ساده نبوده است و هیچ‌کس فرمول کاملی برای این مواجهه ندارد. درس‌های دیگر عبارتند از: سر و صدای زیاد درباره موفقیت خود ممکن است شما را برای زمین زدن بالا ببرد. اگر قصد دارید دولت دیگری را به تروریسم متهم کنید عاقلانه این است که ادله و شواهد محکمی رو کنید. و پیش از اینکه درباره شواهد یک طرف دیگر (آژانس) بر ضد دشمن خود تبلیغات راه بیاندازید، اطمینان حاصل کنید که ادله و شواهد ارائه شده خدشه‌ناپذیر است.

عنوان: اتهام ترور ایران چه اثری بر انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا دارد؟^۱

نویسنده: مایکل کرولی

منبع: Time Magazine^۲

نویسنده در مورد اتهام ترور سفیر عربستان به ایران می‌نویسد: نامزدهای حزب جمهوریخواه برای انتخابات ریاست‌جمهوری، در زمینه سیاست امنیت ملی باراک اوباما نمی‌توانند وی را مورد حمله قرار دهند. باراک اوباما اسامه بن‌لادن و شمار زیادی از مسئولان و فرماندهان واحدهای القاعده در نقاط مختلف از جمله افغانستان و پاکستان را از بین برده است. آنها چند ماه پیش در خصوص اوضاع لیبی سعی کردند رئیس‌جمهور آمریکا را مورد انتقاد قرار دهند، ولی در نهایت قذافی سرنگون شد و هیچ نیروی اسلام‌گرایی به جای وی بر لیبی حاکم نشد. در مورد مصر نیز مخالفان اوباما وی را متهم می‌کردند که از قدرت‌گیری «اخوان المسلمین» حمایت کرده است، ولی آنچه بعد از حسنی مبارک بر مصر حاکم شده در حقیقت کنترل ارتش بر اوضاع آن کشور است. تا جایی که به اقدامات مربوط به بازداشت و بازجویی افراد مظنون به مشارکت در فعالیت‌های تروریستی برمی‌گردد باز هم سیاستمداران دست راستی آمریکا دلیلی برای انتقاد و حمله به باراک اوباما ندارند و بالاخره نیز دولت وی طرح توطئه سفیر عربستان در آمریکا را کشف کرد و به این ترتیب حتی در مورد برخورد قاطع‌تر با حکومت ایران نیز جمهوریخواهان حربه چندانی در دست نخواهند

1. Michael Crowley, What the Alleged Iran Assassination Plot Means for 2012, Time, 17 October, 2011.

۲. از هفته‌نامه‌های معتبر بین‌المللی است.



داشت. نویسندگان می‌افزاید که جمهوریخواهان معمولاً این انتقاد بسیار کلی را از باراک اوباما مطرح می‌کنند که دولت وی به شکل فعالی از جنبش‌های اعتراضی در ایران و سوریه حمایت نکرده و در سخنرانی‌های خود در مورد سیاست خارجی آمریکا لحن عذرخواهانه داشته است. انتقاد دیگر آنها این است که باراک اوباما با تحت فشار قرار دادن بنیامین نتانیاهو برای توقف توسعه شهرک‌های یهودنشین در اراضی فلسطینی، از اهمیت اسرائیل در اولویت‌های سیاست خارجی خود کاسته است. به همین خاطر جمهوریخواهان سعی دارند حامیان اسرائیل در صفوف حزب دمکرات را به سوی خود جلب کنند. اما ماجراهای مربوط به طرح توطئه سفیر عربستان که بسیار عجیب و حتی از نگاه بسیاری اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد، باری دیگر مباحث مربوط به سیاست آمریکا در قبال حکومت ایران را در مرکز توجه قرار داده است. نویسندگان یادآوری می‌کنند که دمکرات‌های آمریکا در ماه‌های اخیر در مورد حکومت ایران و تداوم برنامه‌های هسته‌ای این کشور تا حد زیادی ساکت بوده‌اند. شاید دلیل آن تمرکز بر تحولات مربوط به بهار عربی و فروکش کردن جنبش اعتراضی در خود ایران بوده است. در عین حال این سکوت تا حدی محصول موفقیت‌های دولت باراک اوباما در جلب حمایت بین‌المللی برای اعمال تحریم‌های شدیدتر علیه ایران بود. اما افشای طرح عجیب ترور سفیر عربستان در آمریکا که به عوامل حکومت ایران نسبت داده شده، نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی و اقدامات دولت اوباما برای تشدید فشارها بر ایران در تمام این ماه‌ها ادامه داشته است. با این همه جمهوریخواهان از همین حادثه استفاده کرده و بار دیگر باراک اوباما را متهم می‌کنند که در مقابل ایران

نرمش نشان داده است. سناتور جان مک‌کین، نامزد حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست‌جمهوری پیشین، در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی «فاکس» گفت که تحریم‌های جدید علیه ایران تأثیر چندانی نداشته و تأکید کرد که او با ما باید اقدامات شدیدتری را علیه مقامات ارشد حکومت ایران و حمل‌ونقل دریایی آن کشور به اجرا بگذارد. نویسنده یادآوری می‌کند که مهمترین موضوع این است که آیا در ماه‌های آینده بحث به‌کارگیری حمله نظامی جهت متوقف کردن برنامه‌های هسته‌ای ایران داغ خواهد شد یا خیر. با توجه به اینکه برخی از کارشناسان هشدار می‌دهند که زمان برای ضربه زدن به برنامه‌های هسته‌ای ایران به زودی از دست خواهد رفت شاید برخی از نامزدهای جمهوریخواه این موضوع را به میان بیاورند. برخی از همین کارشناسان تندرو از جمله مشاوران میت رامنی، همه گفته‌اند که حمله نظامی به ایران برای متوقف کردن برنامه‌های هسته‌ای آن کشور ممکن است ضروری باشد. میشل باکمن، دیگر نامزد این حزب نیز برنامه‌های هسته‌ای ایران را «مهمترین موضوع» نامیده است. نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند که باراک اوباما تاکنون بسیار محتاطانه عمل و صحبت کرده و اعلام کرده است که حکومت ایران در مورد طرح ترور سفیر عربستان باید پاسخگو باشد. با این همه هنوز گام مشخصی در این راستا برداشته نشده است. برخی از کارشناسان معتقدند که شاید این توطئه کاسه صبر باراک اوباما در پیشبرد سیاست تحریم و فشار دیپلماتیک بر ایران را لبریز کند. اگر چنین شود مسلماً این سؤال مهم و نامطلوب در صدر محورهای کارزار انتخاباتی سال ۲۰۱۲ قرار خواهد گرفت: «حمله نظامی به ایران یا پذیرش ایران دارای قدرت هسته‌ای؟»



عنوان: جنگ‌های نفتی^۱

نویسنده: اندرو اسکات کوپر

منبع: Newsweek^۲

نویسنده معتقد است آنچه از آن به‌عنوان توطئه ایران برای ترور سفیر عربستان سعودی در واشنگتن نام برده می‌شود آنچنان رسانه‌های جهان را به خود مشغول کرده که در این میان حقیقتی عمیق‌تر پنهان شده است. طی چند دهه گذشته ایران و عربستان سرگرم جنگی فرسایشی از گونه‌ای دیگر هستند که در آن از مواد منفجره خبری نیست: این جنگ را می‌توان جنگ اقتصاد نامید. هر دو رژیم به خوبی آگاهند که گرچه گلوله‌ها می‌توانند کاری باشند و طرف را از میان بردارند، اما کسی را ورشکست نخواهد کرد. مگر آنکه ناگهان بهای نفت سقوط کند. شک‌گرایان که نسبت به نیروی نفت به‌عنوان جنگ افزار تردید نشان می‌دهند و تصور نمی‌کنند که از نفت می‌توان برای تضعیف و درهم کوبیدن اقتصاد یک کشور سود جست، بد نیست به سخنان یکی از اعضای برجسته خاندان سلطنتی سعودی توجه کنند. ترکی الفیصل، رئیس پیشین اطلاعات عربستان سعودی و سفیر پیشین این کشور در آمریکا به صراحت لهجه شهرت دارد. سه ماه‌ونیم پیش وی در جمع برگزیده‌ای از افسران ناتو در یک پایگاه نیروی هوایی بریتانیا شرکت کرد و سخنان تهدیدآمیزی علیه ایران گفت. خاندان سلطنتی سعودی سال گذشته در پی خیزش‌های بهار عربی و به‌ویژه با

1 Andrew Scott Cooper, The Oil Wars, Newsweek/Daily Beast, 13 October, 2011.

۲. از نشریات معتبر و باسابقه در سطح بین‌المللی است.

سقوط یاران و متحدان قدیمی خود در مصر و تونس بر خود لرزیدند. سعودی‌ها همسایه خود ایران را سرزنش می‌کنند، زیرا به باور آنها ایران تلاش دارد با نقشه‌های شوم خود رژیم‌های پادشاهی سنی و محافظه‌کار منطقه را جدا و تضعیف کند تا نهایتاً اسباب سقوط آنها را فراهم سازد. ترکی الفیصل در سخنان خود روشن ساخت که پس از گذشت ۶ ماه که طی آن کشورش در موضع دفاعی ایستاده بود، سعودی‌ها اینک آماده‌اند تا از حقوق خود دفاع کنند. خاندان سلطنتی بر آن است که دست به جنگ‌افزایی نیرومند ببرد: یعنی انبار عظیم منابع نفت کشور سعودی. شاهزاده ترکی گفت ایران واقعی‌ترین را از دست داده است و هرچند «چنگال‌های پولادین» دارد، اما بقایش در گرو توانایی‌اش در بهای بالای نفت است تا «بتواند کشور را به حداقل سطحی از توسعه اقتصادی بکشاند که مردم فقط راضی و خاموش باشند». مفهوم این سخن آن است که اتکای ایران به تک درآمد نفت یک ساختار سیاسی متصلب به وجود آورده است و رژیم تهران را در برابر خرابکاری‌های احتمالی آسیب‌پذیر کرده است. شاهزاده ترکی افزود سعودی‌ها آماده‌اند تا به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در جهان بازوی نیرومند خود را برای «درهم فشردن» اقتصاد ایران به کار اندازند. آنها ظاهراً این کار را با بازکردن شیرهای نفت به روی مصرف‌کنندگان و اشباع کردن بازار با نفت ارزان انجام خواهند داد که به تبع آن حاکمان ایران را از دستیابی به میلیاردها دلار درآمد دولتی که لازمه ثبات و آرامش اجتماعی در کشور است باز خواهد داشت. این‌گونه اشباع کردن بازار یک پیکار اقتصادی در سطح گسترده است، معادل فروریختن بمب بر سر دشمن



است. این تهدید ترکی الفیصل یعنی این‌گونه تسویه حساب با همسایگان و با کنترل بهای نیازمندی‌ها، اقتصاد جهان را گروگان گرفتن، نقشه‌ای شیطانی است که بیشتر به درد یک رمان خیالی می‌خورد. گرچه این کار تازگی هم ندارد و پیش از این انجام شده است. ۳۵ سال پیش کشورهای عضو اوپک بحث فلج‌کننده افزایش بهای نفت را در دستور کار خود داشتند. در آن زمان این ایران بود و نه عربستان که بر روند تصمیم‌گیری این کارتل بزرگ نفوذ داشت و محمدرضا پهلوی، شاه ایران علیرغم خواست دولت فورد در واشنگتن، طرفدار افزایش دورقمی بهای نفت بود. اسناد محرمانه دولت آمریکا که اخیراً فاش شده نشان می‌دهد که در تابستان و پاییز سال ۱۹۷۶ در جریان رقابت‌های انتخاباتی فورد- کارتر، مشاوران اقتصادی فورد نگران این بودند که افزایش شدید بهای نفت فروپاشی اقتصاد جهانی را در پی داشته باشد. هنگامی که شاه با لغو افزایش بهای نفت که توسط اوپک پیشنهاد شده بود مخالفت کرد، اقتصاد ایران وضعیت شکننده‌ای داشت و نیاز مبرمی به درآمدهای بیشتر نفت به‌منظور پرداخت صورت‌حساب‌های دولت احساس می‌شد. در همین زمان کاخ سفید دست به دامن سعودی‌ها شد. سعودی‌ها در ازای مجموعه‌ای از مرحمت‌های آمریکا موافقت کردند که رقم افزایش بهای نفت پیشنهادی شاه و دیگر اعضای اوپک را پایین بیاورند و سیل نفت ارزاقیمت را راهی بازار کنند. این راهکار سرانجام به تصاحب دشمنانه کارتل و پیامدهای زیانباری برای اقتصاد تضعیف شده ایران انجامید. سعودی‌ها در عین حال که از توان ارتش ایران و جاه‌طلبی‌های هسته‌ای آن هراس داشتند، می‌خواستند به شاه درسی بدهند. اما دستاورد سعودی بیش از آن بود که

برایش چانه می‌زد. کاهش ناگهانی درآمد نفت برای ایران در سال ۱۹۷۷ اقتصاد این کشور را بی‌ثبات ساخت و با بحران مالی پشت سر آن بنیادهای سیاسی رژیم پهلوی را با افزایش ناخشنودی همگانی علیه شاه فروریخت. شاه همزمان با کاهش ۳۸ درصدی تولید در مدتی نزدیک به ۹ ماه که معادل دو میلیون بشکه در روز می‌شد زبان به شکوه گشود که ما ورشکست شدیم. انگیزه‌های انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران پیچیده است و نمی‌توان آن را در سایه تئوری ساده‌انگارانه توطئه و یا یکی دو دلیلی که ذکر شد خلاصه کرد. با این همه باید اذعان داشت که کودتای نفتی سعودی‌ها علیه شاه یکی از عوامل فروریزی محبوبیت سلسله پهلوی بود و الگویی فراهم کرد برای تهدیدها و مانورهای امروز. سعودی‌ها چیزی را دریافته‌اند که ما در غرب از فهم آن ناتوانیم. آن هم این است که نفت هم جنگ‌افزار است هم وسیله آسایش. برای سعودی‌ها نفت مولد ثروت است و اسباب توسعه اقتصادی که در عین حال قدرت خانواده سلطنتی نیز به آن وابسته است. نفت از سوی دیگر وسیله دفاع ملی آنها، جنگ‌افزایی تهدیدکننده و سرانجام کلید امنیت و بقای آنهاست. آژانس بین‌المللی انرژی در اوت ۲۰۱۱ گزارش داد که سعودی‌ها بیشترین مقدار نفت را در طول سی سال گذشته استخراج کرده‌اند. رقمی نزدیک به ۹/۸ میلیون بشکه در روز. تولید نفت در این کشور در ماه سپتامبر به دلیل کاهش نیازهای صنعتی اندکی افت پیدا کرد و به رقم ۹/۵۹ میلیون بشکه در روز رسید. پرسش این است که سعودی‌ها چه می‌خواهند؟ آیا آنها به افزایش تولید نفت ادامه خواهند داد؟ توطئه ترور سفیر این کشور چه تأثیری بر اقدام بعدی آنها خواهد گذاشت؟ کمی دقیق‌تر بپرسیم: آیا ایران درسی از تاریخ گرفته است؟



عنوان: آیا ایران واقعاً قصد ترور سفیر عربستان را داشت^۱

نویسنده: مکس فیشر

منبع: The Atlantic Monthly^۲

نویسنده در ارتباط با اتهام آمریکا درباره طرح ترور سفیر عربستان می‌نویسد: این ماجرا بیشتر به داستان تخیلی جاسوسی شباهت دارد. وی می‌افزاید که حکومت ایران در حمایت از تروریسم سابقه طولانی دارد و رقابت ایران و عربستان به حالتی شبیه به جنگ سرد منطقه خاورمیانه بدل شده است. اما با وجود تمام انگیزه‌هایی که ایران می‌تواند برای اجرای این طرح داشته باشد مشخص نیست که دستاورد یک چنین اقدامی برای ایران واقعاً چه خواهد بود. تصور اینکه ایران طرحی شبیه به آنچه که دادستان کل آمریکا ادعا کرده داشته است بسیار دشوار است. اما اگر سفیر عربستان در واشینگتن واقعاً به قتل می‌رسید چه پیامد و نتایجی برای ایران می‌داشت؟ مناسبات عربستان و آمریکا که از مدت‌ها پیش بد بوده از زمان آغاز بهار عربی بدتر شده و خاندان حاکم بر عربستان در واکنش به این تحولات درست در مخالفت با نیروهای ایستاده است که آمریکا از آنها حمایت می‌کند. یک عضو ارشد خاندان آل سعود حتی تهدید کرده است که اگر باراک اوباما با اقدام فلسطینیان برای تشکیل کشور مستقل مخالفت کند مناسبات نزدیک با آمریکا را قطع خواهد کرد. اگر آمریکا و عربستان مناسبات نزدیک ۷۰ ساله و آغشته به نفت خود را قطع کنند مسلماً برای

1. Max Fisher, Would Iran Really Want to Blow Up the Saudi Ambassador to the U.S.?: The Atlantic Monthly, 11 October, 2011.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی معتبر مسائلی بین‌المللی است.

ایران خبر خوبی خواهد بود. عربستان سعودی به اسلحه و تجهیزات نظامی آمریکا متکی است و در مقابل در زمینه اطلاعات امنیتی و اوضاع منطقه آمریکا به عربستان کمک کرده و از رفتار حکومت عربستان در داخل آن کشور و کشورهای همسایه، از جمله بحرین، چشم می‌پوشد. نویسنده می‌افزاید که در صورت شکسته شدن اتحاد قدیمی آمریکا و عربستان مسلماً ایران برای گسترش نفوذ خود و به‌خصوص در کشورهای دارای جمعیت شیعه مثل عراق و بحرین یا لبنان دست بازتری خواهد داشت. حتی ایران ممکن است برخی از کشورهای عربی را که حول محور اتحاد ریاض و واشنگتن حلقه زده‌اند به سوی خود جلب کند. بهترین قسمت در یک چنین سناریویی این است که ایران حتی لازم نیست برای وقوع این حالت کاری بکند. اگر قرار باشد مناسبات استراتژیک عربستان و آمریکا به هم بخورد ایران نیازی ندارد که حتی یک گام کوچک در این مسیر بردارد. بنابراین ابلهانه‌ترین کاری که ایران می‌تواند بکند این است که مانع شکسته شدن این اتحاد شده و عربستان و آمریکا را یک بار دیگر به یکدیگر نزدیک کند. برای مثال، با اقدام به ترور سفیر عربستان در خاک ایالات متحده آمریکا. یک چنین اقدامی هیچ نفعی برای ایران نخواهد داشت و بنابراین اقدامی ابلهانه خواهد بود، هر چند حکومت ایران در گذشته مرتکب اشتباهات فراوانی شده، کما اینکه تمام حکومت‌ها چنین خطاهایی دارند، ولی طراحی یک چنین توطئه‌ای آنقدر دور از ذهن است که به جای طرح اتهام علیه ایران سؤالات فراوانی را به میان می‌آورد. نویسنده به طرح این سؤال می‌پردازد که اگر ایران تا این حد به خود در دسر بدهد که یک بمب‌گذاری را برای اجرا در خاک آمریکا طراحی کند چرا یک مقام نه



چندان مهم را هدف قرار دهد؟ اگر ایران قرار است در خاک آمریکا حمله‌ای را سازماندهی کند، چرا این کار را در سال‌های پس از حملات یازده سپتامبر و به‌عنوان مثال در اوج جنگ عراق انجام نداد؟ چرا یک چنین حمله‌ای را درست چندی پس از آزادی دو کوهنورد آمریکایی انجام دهد که در نوع خود نوعی مصالحه‌طلبی در برخورد با آمریکا بود. چرا آن طور که دادستان کل آمریکا ادعا می‌کند ایران برای انجام این طرح لازم است با باندهای قاچاق مواد مخدر مکزیکی همکاری کند؟ یا آن طور که برخی یادآوری کرده‌اند آیا ارسال پول به آمریکا یا صحبت در مورد این توطئه در مکالمات تلفنی واقعاً می‌تواند روش مرسوم دستگاه اطلاعاتی کشوری مثل ایران باشد؟ نویسنده در پایان مطلب خود می‌نویسد که با وجود همه شک و تردیدها و سؤالات موجود در مورد ادعای دادستان کل آمریکا این احتمال وجود دارد که واقعاً یک چنین طرحی وجود داشته است. حوادث عجیب‌تر از این نیز قبلاً اتفاق افتاده و شاید ایران یک اشتباه بزرگ و ابلهانه مرتکب شده باشد. شاید هم دو ایرانی که اسم آنها در این پرونده عنوان شده واقعاً قصد انجام یک چنین بمب‌گذاری را داشته‌اند، ولی عضو سپاه پاسداران یا نیروهای امنیتی ایران نیستند و اگر هم بوده‌اند شاید خودسرانه این کار را کرده‌اند. شکی نیست که هنوز بخش اعظم اطلاعات مربوط به این ماجرا هنوز علنی نشده است. شاید زمانی که این اطلاعات علنی شود، ادعاهای دادستانی آمریکا را اثبات کند.

عنوان: جنگ سرد عربستان و ایران: آیا طرح ترور باعث تشدید آن می‌شود؟^۱

نویسنده: کارن لی

منبع: Time^۲

نویسنده در تحلیلی به تأثیر اتهامات مربوط به توطئه ایران ترور سفیر عربستان بر روابط تهران و ریاض پرداخته و در مقدمه به مورد بحرین اشاره می‌کند. جایی که نیروهای عربستان سعودی تحت عنوان مقابله با نفوذ و تحریکات ایران به کمک حکومت محلی شتافتند تا بتوانند اعتراضات مخالفان را سرکوب کند. ایران هیچ‌گاه به شکل علنی از بحرین حمایت نکرده است، ولی برای همه ناظران این نکته روشن است که بحرین به نقطه جدیدی از کشمکش‌های دو قدرت بزرگ و نفتی منطقه بدل شده است. در گذشته نیز رقابت‌های دو کشور در لبنان و عراق و حتی سوریه، گاه به مرز بحران رسیده است. ولی تمام این موارد بحران تا چند روز پیش که مقامات آمریکا ایران را به توطئه برای ترور سفیر عربستان متهم کردند همواره در پشت درهای بسته بود. اکثر کارشناسان خاورمیانه تأکید دارند که همواره در مناسبات ایران و عربستان تنش وجود داشته، ولی طرح این اتهام جدی می‌تواند تنش در مناسبات دو کشور را وارد مرحله جدیدی بکند. به خصوص براساس ذهنیتی که در میان اعراب خلیج فارس در مورد ایران و اهداف منطقه‌ای آن وجود دارد، بسیاری ممکن است این ماجرا را تشدید اقدامات تعرضی ایران تلقی کرده و از این بابت به شدت نگران شده

1. Karen Leigh, The Saudi-Iran Cold War: Will the Assassination Plot Heat It Up? Time, 13 October, 2011.

۲. از هفته‌نامه‌های معتبر بین‌المللی است.



و دست به مقابله بزنند. نویسنده با یادآوری مناسبات دو کشور ایران و عربستان می‌نویسد که تا زمان وقوع دو حمله نظامی به عراق که عربستان به شکل فعالی در کنار آمریکا ایستاد، حاکمان ریاض در برابر اعمال قدرت ایران در سطح منطقه واکنش شدیدی نشان نمی‌دادند. قدرت‌گیری شیعیان در عراق تعادل قوا را تا حدی به نفع ایران تغییر داده، ولی با وجود این دولت عربستان به شکلی بی‌سروصدا با گسترش نفوذ ایران مقابله می‌کرد. کارشناسان معتقدند که روش کار دولت عربستان در پیشبرد جنگ سرد با ایران همواره اقدامات و یارگیری در پشت صحنه بوده و در مقابل اتهام مربوط به دخالت ایران در توطئه ترور سفیر آن کشور نیز بعید است که عربستان با اقدام مشابهی دست به تلافی‌جویی بزند. روش عربستان دادن کمک مالی و پول بیشتر به متحدان و گروه‌های وابسته به خود خواهد بود تا با نفوذ ایران و اقمار آن مقابله کنند. تحت تأثیر تشدید جنگ سرد میان عربستان و ایران، کشورهای منطقه ممکن است مجبور شوند که در حمایت از یکی از این دو دولت موضع آشکارتری بگیرند. در حقیقت دو اردوی بزرگ در منطقه تشکیل خواهد شد یکی زیر پرچم ایران و دیگری زیر پرچم عربستان. برخی از تحلیلگران یادآوری می‌کنند که میزان خصومت عربستان با ایران تا آن حد شدید است که مقامات آن کشور حاضر هستند حتی با کشوری نظیر اسرائیل برای مقابله با ایران وارد مذاکره و همسویی شوند. نویسنده معتقد است کشف و خنثی نمودن توطئه ترور سفیر عربستان در عین حال می‌تواند مناسبات سرد میان واشنگتن و ریاض را بهبود ببخشد. دولت عربستان مسلماً از آمریکا خواهد خواست که موضع سختگیرانه‌تری در مورد ایران در پیش

بگیرد. البته تشدید فشارهای آمریکای به ایران به کاهش تنش در منطقه بحرانی خاورمیانه کمکی نخواهد کرد. در شرایطی که کشورهای عربی درگیر بحران سیاسی و تظاهرات مخالفان هستند بروز یک جنگ غیرمستقیم بین ایران و عربستان اوضاع منطقه را بحرانی‌تر و احتمالاً جنبش‌های سیاسی را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. تا جایی که به آخرین مورد از میدان زورآزمایی عربستان و ایران برمی‌گردد، در بحرین سرکوب مخالفان هنوز ادامه دارد. با وجود آنکه تانک‌های عربستان از خیابان‌های شهر منامه خارج شده‌اند، ولی اکثر شب‌ها در محلات شیعه‌نشین بین معترضان و مأموران امنیتی بحرین برخوردهایی روی می‌دهد. در اوج تظاهرات مخالفان در ماه‌های بهار امسال تلویزیون دولتی بحرین که مهمترین ابزار تبلیغاتی ضد شیعیان است شایعات متعددی را در مورد دخالت ایران و حتی ارسال قایق‌های حامل اسلحه برای مخالفان منتشر می‌کرد. کارشناسان معتقدند که تحت تأثیر تشدید جنگ سرد بین ایران و عربستان مسلماً فضای بحرین بحرانی باقی خواهد ماند. در ماه‌های اخیر حکومت بحرین به صدور احکام زندان و مجازات‌های سخت برای مخالفان ادامه داده است و اکنون حکومت عربستان به حاکمان بحرین فشار خواهد آورد که در برابر معترضان شیعه به هیچ وجه عقب‌نشینی و یا مصالحه نکند. اگر مناسبات ریاض و تهران خصمانه‌تر شود بدون شک اوضاع بحرین بدتر خواهد شد و شیعیان و اعتراضات سیاسی آنها به شکل شدیدتری سرکوب خواهند شد.



عنوان: بازی شطرنج ایران و چین^۱
نویسنده: مایکل سینگ و ژاکلین نیومایردیل
منبع: Foreign Policy^۲

تعاملات ایران و چین براساس یک منطق استراتژیک یعنی رقابت راهبردی آنان با آمریکا شکل گرفته است، بنابراین استراتژیست‌های چین و جمهوری اسلامی یکنفر را شرکای خوبی در رقابت راهبردی با آمریکا می‌بینند. این مسئله سبب عدم توجه چین به تحریم‌ها علیه ایران و ادامه صادرات انرژی ایران به چین و متقابلاً تسلیحات چین به ایران شده است. برای اساس هم اکنون از یکسو ایران به برگ برنده چین در رقابت با آمریکا برای نفوذ بیشتر در خاورمیانه تبدیل شده و ازسوی دیگر چین نیز عملاً ضربه‌گیر ایران برای تحمل فشارهای بین‌المللی شده است. نویسندگان این مقاله در ادامه تأکید می‌کنند که با توجه به اینکه برای محافظت از منافع آمریکا در خاورمیانه باید ایران را محدود کرد، توجه به سیاست‌ها و اقدامات چین در قبال ایران نیز ضروری است. درواقع، مقابله با تلاش‌های ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای و اقداماتش جهت بهره‌برداری از انقلاب‌های خاورمیانه به نفع خود، برای محافظت از منافع آمریکا در خاورمیانه - که به سرعت درحال تغییر است - حیاتی است و از اولویت‌های مهم دیپلماسی آمریکا در جهان به‌شمار می‌رود و در این میان، تلاش برای منزوی ساختن ایران به معنای توجه اجتناب‌ناپذیر آمریکا و اروپا به چین است.

1. Michael Singh, Jacqueline Newmyer Deal, China's Iranian Gambit, Foreign Policy, 31 October, 2011.

۲. فصلنامه سیاست خارجی یکی از معتبرترین فصلنامه‌های تخصصی در مورد تحولات سیاست بین‌الملل است.

این درحالی است که کوشش‌های پیشین جهت قانع کردن چین برای حمایت از اقدامات جدید علیه ایران - یا حتی به‌کار بستن بهتر قوانین فعلی - موفقیت اندکی کسب کرده است. این مسئله بیشتر به دلیل سوءبرداشت از انگیزه‌های چین است. درواقع، درحالی که آمریکا فکر می‌کند که چین بین اولویت‌های متضاد دو پاره شده، استراتژیست‌های چین و جمهوری اسلامی یکدیگر را شرکای خوبی در رقابت راهبردی با آمریکا می‌بینند. بنابراین چین برای تحت فشار گذاشتن ایران کمک زیادی نخواهد کرد، مگر اینکه قانع شود که هزینه مانع‌تراشی بر سر اقدامات آمریکا علیه ایران در مقابل منافع که از این کار به‌دست می‌آورد بسیار بیشتر است. تغییر محاسبات چین در این مورد در نهایت مستلزم این است که آمریکا گزینه نظامی معتبری را برای خنثی کردن اهداف مربوط به ساخت سلاح هسته‌ای در ایران مد نظر قرار دهد.

این مسئله یک موضوع جدید نیست، بلکه سه دهه است که دیپلمات‌های آمریکایی نتوانسته‌اند برای جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران همکاری واقعی چین را جذب کنند. با اینکه چین از سال ۲۰۰۵ تا کنون با تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران به شکلی صوری حمایت کرده، اما با کاهش شدت این تحریم‌ها در بررسی‌های شورا و همچنین اعمال ضعیف و محدود آنها از اهمیت این تحریم‌ها کاسته است. چنانچه یکی از مقامات ارشد آمریکا در اکتبر سال ۲۰۱۰ فهرست مهمی از آن شرکت‌های چینی به دست هم‌تایان چینی‌اش داد که تصور می‌شود با نقض تحریم‌های سازمان ملل برای گسترش هسته‌ای به ایران کمک می‌رسانند. تأثیر این نوع اقدامات بسیار زیانبار است. افزایش تجارت چین با ایران - که طبق آمار سفیر



چین در ایران، از ۳۰ میلیارد دلار در سال گذشته به ۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ رسیده - فشار روی ایران را کاهش می‌دهد و درآمد، تخصص و دیگر منابع لازم را در اختیار رژیم ایران می‌گذارد. این مسئله باعث ناراحتی شرکت‌های اروپایی و آسیایی دیگر هم شده که تجارتشان با ایران را کاهش داده‌اند، اما حالا می‌بینند که رقبای چینی جای آنها را برای ایران پر کرده‌اند.

تجارت چین با ایران بیشتر به دلیل نیاز روزافزون آن به واردات انرژی و تمایلش به تضمین دسترسی به انرژی با شرکت در حفاری چاه‌های نفتی و گازی، توسعه و دیگر فعالیت‌های بالادستی تأمین‌کنندگان خارجی انرژی‌اش است. در واقع، از دید امنیتی، موقعیت جغرافیایی ایران بسیار منحصر به فرد است. ایران تنها تأمین‌کننده خلیج فارس است که چین می‌تواند هم از طریق لوله و هم راه‌های دریایی از آن انرژی دریافت کند. چنین تنوعی در راه‌های انتقال آن مقاماتی در پکن را که نگران ممانعت خارجی‌ها برای مسدود کردن راه‌های دریافت انرژی توسط کشورهای خارجی هستند، خاطر جمع می‌سازد، اما این روابط دوستانه چین و ایران فقط به دلیل نفت و گاز نیست. چین، هم از طریق راه‌های رسمی و هم غیررسمی، کمک‌های راهبردی و نظامی زیادی نیز به ایران کرده است. چین طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ حمایت زیادی از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران کرد و در دهه ۱۹۹۰ تبدیل به مهمترین تأمین‌کننده اسلحه ایران شد و تسلیحاتی چون موشک کروز و توانایی‌های مربوط به موشک‌های بالستیک را به این کشور انتقال داد. براساس گزارش «مؤسسه پژوهش صلح بین‌الملل استکهلم»، ارزش این انتقالات در آن دو دهه به بیش از ۳/۶

بیلیون دلار رسید. این حمایت‌ها ادامه یافت و در برخی حوزه‌ها گسترش هم پیدا کرد. ریاسالار «جیمز لاینز»، رئیس پیشین ناوگان اقیانوس آرام آمریکا، گزارش انتقال محتمل فناوری رادار پسیو از چین به ایران را داد که می‌تواند به برنامه اخیراً اعلام شده ایران که برای موشک‌های بالستیک ضدناو است کمک فراوانی بکند. اما شاید نگران‌کننده‌ترین مورد اتهاماتی باشد که برای حمایت از برنامه هسته‌ای ایران به چین وارد می‌شود. اوایل امسال، چین اقدامی جهت جلوگیری از انتشار گزارش سازمان ملل کرد که در آن ذکر شده بود احتمالاً این کشور در انتقال پودر آلومینیم به ایران دست دارد؛ این پودر را به‌عنوان باروت خرج پرتاب موشک‌های بالستیک حامل کلاهک هسته‌ای به کار می‌برند. هفته گذشته چین و روسیه کوشیدند که فشارهایی بر آژانس انرژی هسته‌ای اعمال کنند تا اطلاعاتی مبنی بر پژوهش‌های هسته‌ای نظامی در ایران را منتشر نکند. سال گذشته نیز، منابع رسانه‌ای فروش فیبرهای کربن با کیفیت بالا از جانب شرکت‌های چینی به ایران برای ساخت سانتریفیوژهای بهتر را پوشش دادند.

در این میان، عدم تمایل چین برای اعمال فشار به ایران بر آمریکا پوشیده نیست. عقل سلیم می‌گوید که این سیاست چین در نتیجه قرار گرفتن بر سر یک دوراهی اتخاذ شده است. منطق می‌گوید که پکن بر سر دوراهی منافعش برای تأمین انرژی با امنیت کامل و منافعش در روابط خوب با آمریکا و قانون جهانی منع گسترش هسته‌ای گیر کرده است. از دید رهبری حزب کمونیست چین، منطقی است که به امید دریافت انگیزه‌های اقتصادی بیشتر و اعتمادسازی دیپلماتیک از جانب آمریکا، این دیدگاه بر سر دوراهی قرار گرفتن چین را دلیل عملکردش نشان دهیم. این راهبرد هم



تا حدی موفق بوده است، زیرا همه راه‌حل مشکل «دوراهی» را بیشتر امتیازهایی می‌دانند که آمریکا باید به چین بدهد، امتیازهایی از قبیل ملاقات‌های رسمی و آبرومندانانه با مقامات چین و شرکت دادن بیشتر چین در مناسبات دیپلماتیک. مثلاً اینکه آمریکا گفتگوهای دوجانبه دیپلماتیک را افزایش دهد و یا اینکه تضمین کند که درباره تحریم‌ها روابط شفافی با چین خواهد داشت. با وجود این، چنین تلاش‌هایی از جانب آمریکا نتایج پربراری ندارد. سال‌هاست که مجموعه‌ای از بلندپایه‌ترین مقامات آمریکا به پکن سفر کرده و در مورد مسائل مربوط به ایران مذاکره کرده‌اند و نتیجه‌ای حاصل نشده است. حقیقت این است که چین تمایلی به همکاری در مورد مسئله ایران ندارد، نه آمریکا. پکن به کرات از فرستادن نمایندگان بلندپایه به جلسات «گروه ۵+۱» خودداری کرده است و در عوض تصمیم گرفته که یا نزدیک‌ترین سفیرش را بفرستد و یا کاملاً غایب باشد. اصلاً به‌نظر نمی‌رسد که چین تمایلی به گفتگو بر سر مسئله ایران داشته باشد.

درواقع، تصویری که به شکل متحدی بی‌میل از چین ترسیم شده نشان‌دهنده سوءبرداشت بنیادین درباره انگیزه‌های این کشور است. اگر چین واقعاً با مشکلی که پیش‌تر آمده روبروست، کمک هسته‌ای و راهبردی‌اش به ایران هیچ دلیلی منطقی ندارد. به‌نظر می‌رسد که پکن، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مشتریان انرژی ایران و فروشنده‌ای که تیر آخر ترکش ایران برای خرید مواد ضروری است، به جای استفاده از نفوذش برای تسلیم شدن ایران در مقابل شورای امنیت سازمان ملل و قوانین منع گسترش هسته‌ای، به رفتاری دامن می‌زند که آمریکا و متحدانش را بسیار برمی‌انگیزد، رفتاری که خاورمیانه را بی‌ثبات می‌کند. مضاف بر این، دیگر متحدان

آمریکا - مثل ژاپن و کره جنوبی - همچنان میزان قابل توجهی انرژی از ایران می‌خرند و در عین حال فعالانه از تحریم‌های بین‌المللی علیه رژیم ایران نیز حمایت می‌کنند. واقعیت این است که چین، به‌خلاف ژاپن و کره جنوبی، آمریکا را رقیب اصلی‌اش برای نفوذ در خاورمیانه و فراتر از آن می‌بیند. بنابراین سیاست‌های پکن نسبت به ایران و آمریکا در تقابل نیستند، بلکه کاملاً با هم همخوانی دارند. شاید آمریکا چین را متحد اصلی‌اش در منزوی کردن ایران ببیند، اما چین ایران را متحدی برای مقابله با قدرت آمریکا تلقی می‌کند. تفکر راهبردی چین برای مخاطبانی است که نخبگان سیاسی و نظامی پکن هستند. این ادبیات لحن و محتوای کاملاً متفاوتی با ادبیاتی دارد که برای مخاطبان خارجی است. مقامات بلندپایه چین عدم همکاری این کشور با آمریکا برای اعمال فشار به ایران به‌دلیل فقدان چند ملاقات خوب نیست. تقویت ساختار امنیتی ایران یک مشتری راهبردی مناسب و قدرتمند در منطقه برای چین فراهم می‌کند که می‌تواند اهداف آمریکا در منطقه‌ای که چین به دنبال نفوذ بیشتر است را بی‌سرانجام بگذارد. شاید از نظر چین دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای پیشرفتی منفی باشد، اما بهتر از تغییر جهت مناسبات به سوی غرب است. جریمه‌هایی که وزارت اقتصاد آمریکا برای آن شرکت‌های چینی ناقض تحریم‌ها در نظر گرفته این شرکت‌ها را مجبور کرده که بین تجارت با آمریکا و مبادلات نسبتاً ناچیزترشان با ایران یکی را انتخاب کنند. اما این سیاست هم جواب نداده، چون به‌خلاف چین در مقابل ایران و آمریکا، آمریکا با تناقضی در مورد سیاست‌هایش نسبت به ایران و چین روبرو شده است. پکن خوب می‌داند که احتمالش کم است که دولت او‌باما روابط اقتصادی



آمریکا-چین را که علیرغم اختلاف نظر این دو کشور، نه تنها بر سر ایران، بلکه بر سر تایوان، کره شمالی، دریاهای شرق و جنوب چین، تبت و حقوق بشر به خطر بیاندازد. بنابراین آخرین تحریم‌های دولت اوباما در مورد شرکت‌های چینی در تجارت انرژی با ایران هم برای این شرکت‌های چینی فرصت فرار فراهم کرده است چنانچه اخیراً مقامات آمریکا به پیروی از معاون وزیر امور خارجه، تصریح کرده‌اند که تحریم‌ها باعث شده که چین سرمایه‌گذاری‌های جدیدش در حوزه انرژی در ایران را معلق کند. اما این اطلاعات کل داستان را روشن نمی‌سازد: پروژه‌های فعلی ایران - چین به سرعت ادامه می‌یابد و واردات نفت از ایران به چین از ژانویه تا آگوست ۲۰۱۱، در مقایسه با همین دوره در سال گذشته ۴۰ درصد افزایش داشته است. به نظر می‌رسد پکن توانسته هر گونه تنش دیپلماتیکی را که تجارت با ایران برایش به بار آورده، یکی از ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر و تا به امروز کم‌هزینه رقابت خودش با آمریکا قلمداد کند.

با وجود این، اگرچه روش‌های دیپلماتیک برای توقف همکاری‌های چین با ایران چندان راه به جایی نمی‌برد، اما آمریکا هم راه‌هایی دارد که به واسطه‌شان چین را قانع کند که رویکردش نسبت به ایران را مجدداً ارزیابی کند. اما اجرای این گزینه‌ها مستلزم برداشتن گامی است که دولت اوباما تاکنون از آن سر باز زده است: تثبیت تهدید نظامی معتبر به ایران. استراتژیست‌های حزب کمونیست چین که طبق ارزیابی‌هایشان، با وجود تنش‌های فعلی بین ایران و آمریکا، منافع چین خوب تأمین می‌شود، در پرتو تهدید جدی آمریکا برای حمله نظامی به نظام ایران، محاسباتشان تغییر خواهد کرد. چنین سناریویی تهدیدی علیه ذخایر نفتی چین و به معنی افزایش

بهای انرژی است و می‌تواند منافع حیاتی چین را به خطر بیندازد. آمریکا نباید خطرات جدی درگیری با ایران را فراموش کند یا دستکم بگیرد، اما باید هم پکن و هم تهران را متقاعد کند که این گزینه هم در کنار پذیرش کامل تحریم‌های بین‌الملل مطرح است. با وجود این، معتبر و پذیرفتنی کردن این تهدید کار ساده و کوچکی نیست، به‌ویژه هم اکنون که بودجه دفاعی آمریکا کاهش یافته و آمادگی نظامی ایران هم بالا رفته است. برنامه هسته‌ای ایران هر روز پیشرفته‌تر و در عین حال شکست‌ناپذیرتر می‌شود و فاش شدن تأسیسات جدید غنی‌سازی اورانیم در سال ۲۰۰۹ در فردو این نکته را روشن‌تر می‌سازد. از طرف دیگر، به کمک چین، گزینه‌های محدود تلافی برای ایران - به‌ویژه با توجه به توسعه تسلیحات مجهز به هدف‌گیری دقیق در ایران - بیشتر می‌شود. استراتژیست‌های ایران به دقت توانایی‌ها و عملیات نظامی آمریکا را زیر نظر دارند و اکنون قانع کردن آنها در مورد جدیت نقشه حمله آمریکا به ایران کم‌هزینه‌تر از آینده است. در این شرایط، باید توجه داشت که علیرغم روابط راهبردی چین با ایران می‌توان موضع چین را با شرایط جدید تطابق داد، زیرا هیچ پیوند ساختاری متضمن حمایت پکن از تهران نیست. کلید پیروزی در این مسابقه شطرنج سیاسی این است که بدانیم تعهد چین به منافعش طوری است که می‌تواند هر گونه دوستی با ایران را زیر پا بگذارد. بنابراین آمریکا تنها با چالش‌سازی برای آن منافع می‌تواند چین را از رویکرد فعلی‌اش دور کند، همان رویکردی که دسترسی چین به ذخایر انرژی را افزایش داده، نفوذش در منطقه راهبردی را بالا برده و مانع بلندپروازی‌های آمریکا در خاورمیانه شده است.



عنوان: تکنولوژی چین، عصای دست دولت ایران^۱
نویسنده: استیو استکلو، فرناز فصیحی و لورتا چاو
منبع: Wall Street Journal^۲

نویسندگان این گزارش با بررسی روابط اقتصادی ایران و چین که در غیاب شرکت‌های غربی هر روز تقویت می‌گردد به ارزیابی نقش چین در حمایت از ایران پرداخته و تقویت همکاری‌های دو کشور را عامل مهمی در ناکامی استراتژی‌های غرب علیه ایران دانسته‌اند. در ابتدای گزارش به چگونگی جایگزینی شرکت‌های چینی به جای شرکت‌های غربی اشاره شده است چنانچه زمانی که شرکت‌های غربی، دو سال پیش پس از تحولات انتخابات ایران آن را ترک گفتند غول مخابراتی چینی این خلأ را پر کرد. اکنون شرکت فناوری هوانوای بر صنعت تلفن همراه ایران تسلط دارد، صنعتی که تحت کنترل دولت است. این شرکت نقش مهمی در راه اندازی شبکه امنیتی دولت ایران نیز ایفا می‌کند. شرکت هوانوای به تازگی نیز قرارداد نصب و راه‌اندازی تجهیزات ردیابی تلفن همراه را برای بزرگ‌ترین اپراتور تلفن همراه ایران امضا کرده است. همچنین این شرکت خدمات پشتیبانی مشابهی را در اختیار دومین شرکت بزرگ خدمات تلفن همراه ایران (ایرانسل) قرار داده است. شرکت هوانوای اعلام می‌کند که تقریباً همه کشورها نیاز دارند که پلیس به شبکه تلفن‌های همراه دسترسی

1. Steve Stecklow, Farnaz Fassihi and Loretta Chao, Chinese Tech Giant Aids Iran, Wall Street Journal, 27 October, 2011.

۲. وال استریت ژورنال پرشمارترین نشریه بین‌المللی است که به بررسی مسائل مختلف در حوزه سیاست و اقتصاد می‌پردازد.

داشته باشد و می‌گوید: ایالات متحده یکی از این کشورهاست. نقش شرکت هوئاوی در همکاری با ایران نشان می‌دهد که کشورها به چه سادگی می‌توانند به فناوری‌های خارجی دسترسی داشته باشند که برای نظارت بیشتر توسط دولت‌ها استفاده می‌شوند. البته بسیاری از فناوری‌های که شرکت هوئاوی در اختیار دولت ایران می‌گذارد، چون ردیابی مکان تلفن‌های همراه، در شبکه‌های کشورهای غربی نیز در دسترس‌اند. امسال شرکت هوئاوی از مقامات ایران پشتیبانی زیادی کرد تا ابزار مخابراتی دریافت اخبار بر روی تلفن همراه را به دومین شرکت بزرگ خدمات شبکه تلفن همراه، ام‌تی‌ان ایرنسل بفروشد. شرکت هوئاوی قرارداد را برنده شد و شرکت خدمات تلفن همراه (ایرنسل)، سرویس جدید را به‌کار انداخت، ولی ایران با استفاده از پیچیده‌ترین فناوری‌های فیلترینگ، به‌طور پیوسته این خدمات را سانسور می‌کند. وال استریت ژورنال در ماه ژوئن گزارش داده بود که ایران می‌خواست برای مقابله با ایده‌ها، فرهنگ و تأثیر غرب اینترنت داخلی خود را راه اندازی کند.

راس گان، سخنگوی هوئاوی می‌گوید: شرکت ما تعهد دارد که با قطعیت از قوانین تحریم‌های اقتصادی مصوب سازمان ملل پیروی کند. همچنین قوانین چین و دیگر مقررات کنترل صادرات را مورد نظر قرار دهد. به اعتقاد ما، فعالیت ما در ایران با مقررات یاد شده سازگار است و هیچ یک از آنها را نقض نمی‌کند. ویلیام پلامر رئیس امور خارجی هوئاوی در واشنگتن اعلام می‌کند که خدمات ردیابی موقعیت که این شرکت عرضه می‌کند براساس ویژگی‌های جهانی است که با توانایی ردیابی قانونی در تعارض نیست. آن چه که ما در ایران انجام می‌دهیم تفاوتی با کار ما در



دیگر بازارهای جهانی ندارد. هدف ما غنی کردن زندگی مردم از راه ارتباطات است. کارشناسان آشنا به شاخه خدمات این شرکت در ایران می‌گویند که شرکت هوئوای نزدیک به ۱۰۰۰ کارمند در ایران دارد. اما مدیران اجرایی هوئوای در مصاحبه‌ای در چین تلاش کردند نقش خود در ایران را کوچک جلوه دهند و گفتند که تکنسین‌های شرکت، تنها خدمات عمدتاً روتر (رهیاب‌های اینترنتی) را انجام می‌دهند. اما یک فرد آشنا با فعالیت‌های هوئوای در خاورمیانه می‌گوید که نقش این شرکت به‌طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر است.

قرارداد خدمات مدیریت و نظارت بر بخش‌هایی از شبکه ام‌تی‌ان ایرانسل که بیشتر سهام آن متعلق به دولت است نیز در شمار فعالیت‌های شرکت است. این شخص می‌گوید که در طول تظاهرات سال ۲۰۰۹، ایرانسل دستورات دولت مبنی بر قطع شبکه پیامک (اس‌ام‌اس) و یا قطع خدمات تلفن اینترنتی اسکایپ، که در میان مخالفان بسیار محبوب است را اجرا می‌کرده است. وی می‌گوید که ایرانسل به‌وسیله شرکت هوئوای دست به قطع پیامک‌ها و خدمات تلفنی اسکایپ زده بود. آقای پلامر سخنگوی شرکت هوئوای نمی‌پذیرد که شرکت وی این خدمات را قطع کرده بود. به علاوه که سفارت چین در ایران در مورد ارتباط این شرکت با ایران تأکید می‌کند که هوئوای از سال ۱۹۹۹ در صنعت مخابرات ایران حضور دارد. پیش از ناآرامی‌های سیاسی ایران در سال ۲۰۰۹، براساس اسناد ایرانسل، هوئوای در کنار شرکت‌های «تلفن آ-ب»، اریکسون و نوکیا، زس و نتورکس ان اس ان (شرکت مشترک نوکیا و زیمنس) در ایران حضور داشته است.

با وجود این شرکت هوئاوی تنها با ایران ارتباط ندارد و به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های خدمات و سازنده تجهیزات مخابراتی تلاش کرده است که دامنه فعالیت خود را در آمریکا نیز گسترش دهد. هوئاوی در این مورد با مقاومت روبرو بوده است، زیرا درباره ارتباط نزدیک این شرکت با دولت و ارتش چین نگرانی‌هایی وجود دارد که البته شرکت چنین ارتباطی را رد می‌کند. ماه گذشته، وزارت بازرگانی ایالات متحده شرکت هوئاوی را از شرکت در توسعه شبکه ملی بی‌سیم پلیس، پرسنل آتش‌نشانی و پزشکی، به‌دلیل نگرانی‌های امنیت ملی منع کرد. مقام‌های وزارت بازرگانی از بیان جزئیات بیشتر خودداری کرده‌اند. در ماه فوریه نیز شرکت هوئاوی در تلاش بود که شرکت Leaf^۳ را در کالیفرنیا خریداری کند که از سوی کمیته کمیسیون سرمایه‌گذاری خارجی آمریکا با مقاومت‌هایی روبرو شد و قرارداد به امضا نرسید. این هیئت بر دادوستد شرکت‌های خارجی و پیامدهای امنیتی آن نظارت دارد. سال گذشته نیز شرکت اسپرینت نکستل شرکت هوئاوی را به‌دلیل نگرانی‌های امنیت ملی از فهرست خود کنار گذاشت.

سود ناشی از فروش در بازار مخابراتی ایران در سال گذشته نزدیک ۹/۱ میلیارد دلار برآورد می‌شود که رشد قابل توجهی به‌ویژه در تجارت تلفن همراه داشته است. در سال گذشته، ایران براساس پژوهش مؤسسه پیرامید کمبریج واقع در ایالت ماساچوست، با حدود ۶۶ میلیون مشترک تلفن همراه، ۷۰ درصد از جمعیت را پوشش می‌دهد. در مقابل، حدود ۳۶ درصد از ایرانیان دارای تلفن ثابت هستند. در نتیجه گوشی‌های تلفن همراه به شبکه ایران امکان بسیار گسترده‌تری را برای نظارت و ردیابی مردم می‌دهند. در اوایل سال ۲۰۰۹ زمینس فاش کرد که شرکت مشترکی



که با نوکیا تأسیس کرده‌اند (زیمنس - نوکیا ان اس ان) با ایجاد یک مرکز نظارت، شنود و ضبط مکالمه برای بزرگ‌ترین اپراتور تلفن همراه ایران چنین امکاناتی را در اختیار این شرکت دولتی گذاشته است، اما این تجهیزات فاقد قابلیت ردیابی و مکان‌یابی تلفن‌های همراه بوده‌اند. چون بیشتر کشورها، در ایران نیز شبکه‌های مخابراتی باید بتوانند امکان شنود را برای پیشگیری از جنایت در اختیار پلیس بگذارند. شرکت زیمنس - نوکیا ان اس ان نیز مرکز نظارت و شنود را در ماه مارس ۲۰۰۹ به ایران فروخت. این شرکت می‌گوید که به دنبال فعالیت بیشتر در ایران نبوده است و مقررات حقوق بشر را در سیاست داخلی شرکت به اجرا گذاشته تا توانایی سوءاستفاده از تجهیزات و تولیدات شرکت کاهش یابد. به گفته یک سخنگوی اریکسون این شرکت تا سال ۲۰۰۸ تنها محصولات استاندارد به شرکت‌های مخابراتی ایران تحویل داده که این محصولات شامل نظارت و شنود قانونی نیز می‌شود. وی می‌گوید پس از تغییرات سیاسی ۲۰۰۹ اریکسون فعالیت‌های تجاری خود را در ایران کاهش داده و اکنون دیگر به دنبال قرارداد تازه‌ای در ایران نیست. با عقب‌نشینی با پا پس کشیدن ان اس ان و اریکسون، شرکت هوئاوی به فعالیت‌های خود شدت بخشید. در اوت سال ۲۰۰۹، دو ماه پس از تحولات پس از انتخابات ایران، وب سایت سفارت چین مقاله‌ای از روزنامه‌های محلی آورد با عنوان «هوئاوی برای تصاحب بازار مخابراتی ایران برنامه‌ریزی می‌کند» در این مطلب آمده که شرکت، اعتماد و همکاری نهادهای بزرگ دولتی و خصوصی را در مدت کوتاهی به دست آورده است و صنایع نظامی نیز بخشی از مشتری‌ها به‌شمار می‌روند. در همان ماه، سفارت چین در گزارشی دیگری بیان کرد که شرکت بریتانیایی «کریتیویتی سافت‌ور» که دارای تخصص ردیابی

تلفن همراه است، اعلام کرد که در قراردادی با ایرانسل برنده شده است. این شرکت بریتانیایی اعلام کرد که برای این قرارداد با شرکت هوئوای همکاری کرده و قرار است خدمات نگهداری و مراقبت شبکه در رده اول و دوم را برای اپراتور فراهم کند. این بیانیه نقل می‌کند که سیستم مورد نظر خدمات تعرفه صورت حساب کم هزینه در محدوده خانه را فعال می‌کند که به‌جای استفاده از خطوط زمینی، مشترکین را تشویق به استفاده از خطوط تلفن همراه کند. البته بجز این گزینه، با استفاده از دیگر تعرفه‌ها و گزینه‌های تجاری نیز ردیابی مکان مشترکین امکانپذیر می‌شود. این شرکت بریتانیایی در توضیح خدمات خود یادآور می‌شود که امکان ردیابی مکان و دستیابی قانونی به مکالمه‌ها برای پلیس فراهم می‌شود. یک مقام رسمی شرکت کریتیویتی سافتور تأیید کرد که ایرانسل از مشتریان شرکت است، اما به دلیل محرمانه بودن قرارداد شرکت نمی‌تواند در این خصوص اظهار نظر کند. یک سخنگوی شرکت ام‌تی‌ان که یک شرکت آفریقای جنوبی است و ۴۹ درصد از سهام اپراتور ایرانی ایرانسل را داراست، حاضر به پاسخ به پرسش‌ها نشد و در یک ایمیل گفت: سهم بیشتر ایرانسل در اختیار دولت ایران است. وی در پاسخ به پرسش‌هایی که حاضر به پاسخ نبود، ما را به کمیسیون تنظیم مخابرات ایران ارجاع داد. در سال ۲۰۰۸، دولت ایران برای خدمات ردیابی مکانی برای بزرگ‌ترین شرکت خدمات تلفن همراه، شرکت ارتباطات سیار، «ام سی سی آی» مناقصه‌ای برگزار کرد. به گفته یک سخنگو، اریکسون در مراحل نخستین این مناقصه شرکت داشت. اسناد داخلی این شرکت که در اختیار وال استریت ژورنال است، نشان می‌دهند که این شرکت با همکاری یک شرکت از استونی به نام «ریچ یو» خدمات امنیتی ارائه داده بود که نظارت امنیتی - خدمات ویژه برای



سازمان‌های امنیتی و ردیابی مکانی افراد مورد مراقبت را امکانپذیر می‌کند. سخنگوی اریکسون می‌گوید که پیشنهاد این شرکت از آنجایی که همه خواست‌های مناقصه را پوشش نمی‌داد در مناقصه برنده نشد. یکی از مدیران شرکت ریچ یو نیز اعلام کرد که ما در مناقصه شرکت کردیم و از دور حذف شدیم و اکنون پس از تمام این ماجراها یکی از برنده‌های نهایی «هوئاوی» است. به گفته یکی از مدیران هوئاوی در تهران، این شرکت در سال جاری قرارداد نصب و راه‌اندازی تجهیزات سرویس ردیابی مکانی را با شرکت «ام‌سی‌سی‌آی» برای جنوب ایران به امضا رسانده و هم اکنون برای این پروژه در حال جذب نیرو است.

یکی از شرکت‌های ایرانی که هوئاوی فعالیت قابل توجهی با آن انجام داده، شرکت صنایع الکترونیکی زعیم است. زعیم بخش امنیتی و جاسوسی هر مناقصه مخابراتی است. این را یک مهندس می‌گوید که در وزارت فناوری اطلاعات پروژه‌های زیادی را با زعیم به اجرا رسانده است. اسناد داخلی اریکسون نیز نشان می‌دهند که زعیم اجرای بخش امنیتی شنود و ردیابی مکانی تلفن همراه را در قرارداد با شرکت ام‌سی‌سی‌آی بر عهده داشت. شرکت ایرانی زعیم در وب‌سایت فارسی خود می‌گوید که بخش مخابراتی خود را در سال ۲۰۰۰ با همکاری شرکت هوئاوی راه‌اندازی کرده و این دو شرکت تاکنون ۴۶ پروژه مشترک مخابراتی به انجام رسانده‌اند. زعیم اعلام می‌کند که در حال حاضر این دو شرکت بر روی بزرگ‌ترین شبکه انتقالی فیبر نوری برای وزارت فناوری اطلاعات و ارتباطات کار می‌کنند که انتقال همزمان اطلاعات، صدا و تصویر را فراهم می‌کند. آقای گان، سخنگوی هوئاوی می‌گوید: ما به زعیم تنها کالاها و سرویس‌های تجاری عمومی می‌دهیم با وجود این، زعیم یک شرکت

الکترونیکی ایرانی است که در وب سایت خود وزارتخانه‌های اطلاعات و دفاع را در شمار مشتریان خود آورده است و همچنین با نیروهای ویژه این کشور، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز همکاری می‌کند. این درحالی است که در ماه جاری آمریکا شاخه‌ای از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به توطئه برای کشتن سفیر عربستان سعودی به ایران متهم کرد، اما ایران این ادعا را رد کرده است.



عنوان: چرا حقوق بشر در ایران بدتر می‌شود و چه کاری می‌توان کرد^۱

نویسنده: جیشری باجوریا

منبع: The Atlantic Monthly^۲

نویسنده در این مقاله معتقد است: در گزارش‌های اخیر سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های غربی کارنامه حقوق بشری ایران به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. وی می‌نویسد بیشترین موارد نقض حقوق بشر در ایران دارای ماهیتی سیاسی است و از نزدیک با استقرار کنترل رژیم بر مردم ارتباط دارد. مدافعان حقوق بشر در ایران و خارج از ایران بارها گفته‌اند تمرکز اذهان بین‌المللی به برنامه اتمی ایران به تلاش‌های پیشبرد حقوق بشر در ایران لطمه می‌زند. اما توجه بین‌المللی به وضعیت حقوق بشر در ایران رو به افزایش است. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در مارس ۲۰۱۱، برای نخستین بار پس از سال ۲۰۰۲ گزارشگر ویژه‌ای برای تحقیق در باره موارد نقض حقوق بشر در ایران تعیین کرده است. آمریکا نخستین تحریم‌های مرتبط با نقض حقوق بشر را از سپتامبر ۲۰۱۰ علیه ایران برقرار کرده است. سفر ۱۰ مقام ایرانی به آمریکا ممنوع شناخته شد و محدودیت‌های مالی برقرار گشت. اتحادیه اروپا نیز ۳۲ مقام ایرانی را در آوریل ۲۰۱۱ و بعداً ۲۱ مقام دیگر را در اکتبر مشمول تحریم‌ها شناخت. اعضای ارشد نیروهای امنیتی و قوه قضائیه از جمله این مقامات هستند. گرچه هنوز نتیجه تحریم‌ها مشخص نیست، اما کارشناسان می‌گویند

1. Jayshree Bajoria, Why Human Rights In Iran Are Getting Worse—and What To Do About It, The Atlantic Monthly, 2 November, 2011.

۲. از نشریات معتبر تحلیلی حوزه مسائل بین‌المللی است.

تحریم‌های هدفمند برای معرفی و شرم‌نده ساختن مقامات درگیر در نقض حقوق بشر و زیر نورافکن گذاشتن آنان، ابزاری مؤثر است. بعضی از کارشناسان نیز از آمریکا خواستار حمایتی بیشتر در گشودن فضای سیاسی در ایران، از طریق ارائه تکنولوژی‌های پیشرفته به ایرانیان شده‌اند. وزارت امور خارجه آمریکا به تلاش‌های خود برای آموزش و عرضه ابزارهای لازم به فعالان جامعه مدنی در ایران به‌منظور مقابله با جاسوسی‌های گسترده اینترنتی و نیز سانسورهای دولتی ادامه می‌دهد.



عنوان: شکاف‌های موجود در جامعه و سیاست ایران در قبال برنامه هسته‌ای آن ناپدید می‌شود^۱
نویسنده: علی‌اکبر دیرینی و بریان مورفی
منبع: The Washington Times^۲

این گزارش به بررسی نگاه و اعتقاد مردم ایران در مورد پرونده هسته‌ای کشورمان پرداخته و تأکید کرده است که همه مردم ایران حتی همه جناح‌ها و گروه‌های سیاسی از برنامه‌های هسته‌ای کشور دفاع می‌کنند و آن را حق مسلم خود می‌دانند. این مسئله به‌گونه‌ای است که حتی رسانه‌های دولتی ایران، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را دست‌نشانده آمریکا توصیف کرده و ادعاهای آمریکا درباره فعالیت‌های هسته‌ای تهران را غیرواقعی می‌دانند. براین اساس، گروهی از دانشجویان در دانشگاه تهران با امضای طوماری از دولت درخواست کرده‌اند تا از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شود. همچنین مقاومت در برابر فشارهای خارجی برای توقف برنامه‌های هسته‌ای یکی از نقاط اشتراک تمامی جناح‌های سیاسی ایران محسوب می‌شود لذا اگرچه اختلافات متعددی میان گروه‌ها و جناح‌های مختلف سیاسی دیده می‌شود، اما نگاه آنان به مسئله هسته‌ای بحثی متفاوت است. مجموعه این عوامل سبب شده است که در پی انتشار گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر تلاش ایران برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای، همه سازمان‌های دولتی و پارلمان این کشور به شدت این گزارش را محکوم کردند. رسانه‌ها و تلویزیون دولتی ایران

1. Ali Akbar Dareini and Brian Murphy, Divided Iranians united for nukes, The Washington Times, 22 November, 2011.

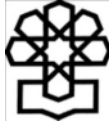
۲. از روزنامه‌های آمریکایی است.

انتشار این گزارش را تحت فشار آمریکا و اسرائیل و غیرواقعی دانستند. در اصفهان نیز بیش از دو هزار نفر در دفاع از برنامه‌های هسته‌ای ایران در اطراف تأسیسات تبدیل اورانیم زنجیره انسانی تشکیل دادند. آنها شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» سر می‌دادند. این معترضان از مقامات این کشور درخواست کردند تا دیگر به بازرسان آژانس اجازه ندهد تا از تأسیسات هسته‌ای این کشور بازدید کنند. آنها گفتند که برای هرگونه جان‌فشانی برای دفاع از حق هسته‌ای کشور خود آماده‌اند. مقامات سیاسی با گرایش‌های مختلف نیز از انتشار این گزارش انتقاد کردند. اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور سابق ایران، همسو با دیگر جناح‌ها، گزارش آژانس را محکوم کرد. علی لاریجانی، رئیس مجلس، نیز در واکنش به انتشار گزارش آژانس تهدید کرد در صورت ادامه اقدامات خصمانه علیه ایران، این کشور نسبت به همکاری خود با آژانس انرژی اتمی تجدید نظر خواهد کرد.

در این میان، علاوه بر حمایت داخلی جناح‌ها و گروه‌های مختلف از برنامه‌های هسته‌ای ایران، دو کشور چین و روسیه که دو متحد دیرینه ایران به حساب می‌آیند نیز از اعمال فشار بیشتر بر این کشور جلوگیری می‌کنند. چنانچه چین اعلام کرد که تحریم‌های جدیدی که کشورهای غربی علیه ایران بر سر برنامه هسته‌ای این کشور اعمال کرده‌اند این مسئله را حل نخواهد کرد و تنها به وخیم‌تر شدن اوضاع منجر خواهد شد. «لیو وی‌مین» سخنگوی وزارت امور خارجه چین اعلام کرد: به اعتقاد ما فشارها و تحریم‌ها نمی‌تواند مسئله هسته‌ای ایران را به‌طور اساسی حل و فصل کند و در عوض آن را پیچیده و وخیم‌تر خواهد کرد و موجب تشدید رویارویی خواهد



شد. سخنگوی وزارت امور خارجه چین در ادامه تقویت گفتگو و همکاری را میان همه طرف‌های ذیربط به‌منظور حل‌وفصل مناسب مسئله هسته‌ای ایران خواستار شد. این مواضع چین بدین دلیل صورت می‌گیرد که این کشور متحد کلیدی ایران به‌شمار می‌رود و در سال‌های اخیر تحت تأثیر فشارها و تحریم‌های بین‌المللی به شریک اصلی تجاری ایران تبدیل شده است. روسیه، دیگر متحد ایران، نیز که همچون چین با تحریم‌های جدید در شورای امنیت سازمان ملل مخالفت کرده است اقدامات غربی‌ها را غیرقابل قبول و برخلاف قوانین بین‌المللی خوانده است. نماینده روسیه در سازمان ملل بر مخالفت این کشور با اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران تأکید کرد. ولادیمیر چیزف افزود، مسکو مخالف اعمال بسته جدید تحریم‌ها علیه ایران در شورای امنیت به علت برنامه هسته‌ای این کشور است. وی تصریح کرد، اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران غیرقانونی و بی‌نتیجه است و در پرونده هسته‌ای ایران تنها باید از راهبرد مذاکرات و راه‌حل‌های دیپلماتیک استفاده کرد. براین اساس نویسندگان این مقاله با تأکید بر حمایت کلیه جریان‌های سیاسی و افکار عمومی ایران در قبال برنامه هسته‌ای آن و همچنین پشتیبانی چین و روسیه از گزینه مذاکره در قبال این پرونده و به‌علاوه ناکامی گزینه‌های فشار و تحریم بر توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران، بر ضرورت از سرگیری مذاکرات با ایران تأکید می‌کنند.



شماره مسلسل: ۱۲۰۸۰

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۴۶)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: محمودهاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

مقتاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۹/۲۰